

غزنی

شهر کشور گشایان، دانشمندان و بناهای تاریخی



معرفی مختصر مردم، بناهای تاریخی و هنر غزنی باستان

فهرست عناوین

۱. پیشگفتار
۲. معرفی کتاب
۳. مطالبی مختصر از تاریخ غزنی و امپراطوری غزنویان
۴. مشاهیر تاریخی غزنی
ابومنصور سبکتگین - بنیادگذار امپراطوری غزنویان
سلطان محمود غزنوی - کشورگشا، حامی علم و هنر
مسعود اول غزنوی
مسعود سوم و بهرام شاه
الیرونی (ابوریحان) - دانشمند، نقشه‌نگار، زبان‌شناس و منجم مسلمان
حکیم سنایی غزنوی (یا ابوالمجد مجدود بن آدم)
فرخی سیستانی - شاعر دربارهای شاهان
الغ بیگ - شاهزاده تیموری، منجم و ریاضی‌دان
۵. معماری و باستان‌شناسی غزنی
معبد تپه سردار: آخرین معبد از معابد بودائیان
مقبره محمود غزنوی - میدان گشا و هنرپرور
مناره‌ها (یا طاق‌های ظفر) بهرام شاه و مسعود سوم
قصر مسعود سوم - قصر شاهی غزنویان
مقبره الغ بیگ ابن ابوسعید (و عبدالرزاق)
قلعه بالا حصار و دیوارهای شهر غزنی
۶. هنر و صنعتگری غزنی تاریخی
۷. آرامگاه و مقبره الغ بیگ بن ابوسعید (و عبدالرزاق) و موزیم هنرهای اسلامی غزنی
۸. حفاظت از میراث فرهنگی منطقه
۹. قدردانی



سمت راست: برجسته‌کاری تصویر شیر روی سنگ مرمر، از قصر مسعود سوم، غزنی



پیشگفتار

در سالهای اخیر یونسکو فعالیتهای بسیاری را برای کمک به دولت افغانستان، بخصوص وزارت اطلاعات و فرهنگ، برای بالا بردن سطح آگاهی مردم از میراث فرهنگی افغانستان با برگزاری سمینارها، کارگاههای آموزشی و نیز برپایی جلسات فرهنگی انجام داده است. هدف از برگزاری و تجلیل کلیه این مناسبتها، صحنه نهادن به اهمیت فرهنگ برای رسیدن به اهداف توسعه در کاربایی و ایجاد درآمد، تعلیم و کمک به همبستگی یک جامعه در قالب پروسه بازسازی بوده است.

به ادامه این کوششها یونسکو و وزارت اطلاعات و فرهنگ مجموعه ای از انتشارات و مواد آموزشی را برای افراد خردسال، جوانان و عموم مردم به چاپ رسانیده اند که هدف از آن به تصویر کشیدن فرهنگ غنی افغانستان و نیز تنوع این میراث گرانبها می باشد. امیدوار هستیم این انتشارات هر چند کوچک بتواند به اطلاعات و درک مردم در مورد تاریخ شهر غزنی کمک نماید و در عین حال باعث تشویق جوانان افغانستان برای جلوگیری از تخریب بیشتر و نیز از بین رفتن این تاریخ و میراثهای گرانبها شود.

افراد بسیاری هستند که از کمکهای آنان در تهیه کردن این مجلد باید تشکری شود از آن جمله آقای اندی میلر که قسمت عمده تحقیقات و نوشتن این مجلد را به عهده داشتند، آقای عمراخان مسعودی (رئیس عمومی موزیمها)، آقای عبدالاحد عباسی (رئیس دیپارتمنت آبادات تاریخی) و همچنین اشخاص دیگری که در بخشهای باز نویسی، ترژین و ترجمه این متون به دری و پشتو به ما یاری رساندند از جمله در یونسکو (آقای رضا شریفی)، ترجمه خرد و سیتینا گروپ تشکری نمایم. و نیز با سپاس فراوان از کمکهای تخنیکی بسیاری از نهادها و همکاران در این راستا به شمول انستیتوت آفریقا و شرق شناسی ایتالیا (آیسیاو) که در همکاری نزدیک با وزارت اطلاعات و فرهنگ در کمک به پروژه بازسازی موزیمهای غزنی، بخصوص با فراهم آوردن اطلاعات در مورد تاریخ، هنر و باستانشناسی این شهر، نقش ارزنده ای را ایفا نمودند از سفارت ایالات متحده آمریکا مقیم در کابل به خاطر کمک به یونسکو در پروژه چاپ این مجلد، و همچنین دولت ایتالیا برای کمک به پروگرام بازسازی ساحات تاریخی غزنی و انتشار این کتاب، قدر دانی و اظهار امتنان مینمائیم. امیدوار هستیم که این کمک و این اجماع تلاشها بتواند به دولت افغانستان و نیز سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی کشورهای مسلمان در تجلیل غزنی به عنوان پایتخت فرهنگی اسلام در آسیا در سال ۲۰۱۳ کمک شایان توجهی نماید.

برندن جیمز کسر

مسئول بخش فرهنگی، دفتر یونسکو در کابل افغانستان

(دسامبر ۲۰۱۱)



معرفی کتاب

شهر کشورگشایان، دانشمندان، شعرا و مناوهارا هدف از تهیه این کتاب فشرده، ارائه معلومات بیشتر در مورد تاریخچه غنی و رنگارنگ و نیز میراث فرهنگی متنوع زادگاه شما، شهر غزنی است. این کتاب از مردمی الهام بخش در گذشته و بناهای تاریخی جالب که از آنها به جای مانده است، سخن می گوید و داستان هایی را از کردار و زندگانی مردمان گذشته در غزنی بازگو می کند. ممکن است شما بواسطه آموخته هایتان از مکتب یا مدرسه یا داستان های نقل شده در قامیل با برخی از این مردم آشنا باشید، یا اینکه به سادگی ضمن قدم زدن یا گشت و گذار در میان بناهای مخروبه که روزگاری بخش مرکزی یکی از امپراطوری های عظیم مشرق زمین بود، با آنها آشنا شده باشید؛ امپراطوری هایی که به خاطر هنر، معماری، صنعتگری زیبا و حاکمان کامروای خود صاحب شهرت فراوان بودند. امیدوار هستیم با خواندن این کتاب بر معلومات شما در مورد غزنی و جایگاه تاریخی مهم آن در افغانستان و به طور کلی در سطح منطقه و جهان، افزوده شود. ممکن است مکان ها یا مردمان یا اشیائی وجود داشته باشند که پیش از این آن را ندیده باشید یا در مورد آن چیزی ندانید یا اینکه در مورد آن چیزهایی شنیده اید اما از نسبت آنها با غزنی (که به لحاظ تاریخی غزنه نامیده می شود) بی خبر باشید. شاید تاکنون نمی دانسته اید که امپراطوری تاریخی غزنه دارای چه عظمتی بوده است یا اینکه فرهنگ های دیگر چگونه به شکل گیری هنر و معماری در این شهر باستانی کمک نمودند. کوشش نموده ایم تا جای ممکن تصاویر مربوط به غزنی را در این کتاب بگنجانیم (به شمول تصاویر تاریخی، رسامی ها، نقاشی های قدیمی و حتی مهرها)، تا بدینوسیله تنوع میراث تاریخی غزنی و چیزهایی که طی سالها دستخوش تغییرات شده اند، منعکس گردد. می توانید از برخی از



مکان های توصیف شده در این کتاب (چه در غزنی یا جای دیگر) دیدن نمایید یا اینکه می توانید در موزیم ملی یا آرشیو ملی در کابل، شگفتی های تاریخی به جای مانده از غزنی را نظاره کنید. امید می رود با تکمیل کار موزیم هنر اسلامی تا اوایل سال ۲۰۱۲ (در قسمت هایی از آرامگاه قبلی الخ بیگ و عبدالرزاق واقع در نزدیکی قریه روضه)، اشیای تاریخی بیشتری از غزنی، از جمله قصر مسعود سوم و تپه سردار به نمایش گذاشته شود. در سال ۲۰۰۷ در تریپولی (واقع در لیبیا)، سازمان تعلیمی، علمی و فرهنگی اسلامی (ISESCO) غزنی را منحصیث مرکز فرهنگ اسلامی - ۲۰۱۳ برسمیت شناخت و امیدوار هستیم که نشر این کتاب، به همراه سایر رویدادها و پروژه هایی که قبلاً صورت گرفته است، منبع الهام بخشی باشد برای شما تا معلومات بیشتر در مورد عظمت تاریخی غزنی و آینده درخشان آن منحصیث مرکز فرهنگی کسب نماید.



جغرافیا و اقتصاد غزنی

غزنی (یا به نحو رایج تر در تاریخ، غزنه) در حال حاضر نهمین ولایت از لحاظ وسعت در افغانستان است که در ساحه مرکزی-شرقی واقع شده است. برخی قسمتهای این ولایت در فاصله ۲۲۰۰ متری از سطح بحر موقعیت دارند و دارای زمستان های بسیار سرد و طاقت فرسا می باشند. شهری با عین نام وجود دارد که مرکز یک ولایت بوده و در ۱۳۵ کیلومتری جنوب کابل واقع شده است؛ جایی که به لحاظ تاریخی همواره یک مسیر تجاری



مهم به سوی کابل قلمداد می شده است. در گذشته، غزنی به خاطر تجارت اصلی آن یعنی پشم شتر و پشم گوسفند، یک مرکز تجاری به حساب می آمد و در قرن ۱۹ این دو جنس تجارتي از طریق هندوستان به سرتاسر جهان صادر می گردید. غزنی همچنین به داشتن سیب و تریوز مرغوب مشهور بود که به مقادیر کلان به همراه جواری، زردآلو و رونااس (گیاهی سبز که منحصی رنگ طبیعی برای البسته استفاده می شد) به کابل صادر می گردید. اگرچه در حال حاضر صنعت و تولیدات ولایت غزنی در مرحله احیاء می باشد، ذخایر عظیم لیتیوم (یک نوع فلز صنعتی با ارزش) که اخیراً کشف شده اند، می توانند به میزانی قابل ملاحظه به رشد اقتصادی این ساحه در آینده کمک نماید.



مختصری از تاریخ غزنی (یا غزنه) و امپراتوری غزنویان

غزنی دارای تاریخی پر فراز و نشیب، جذاب و در عین حال پیچیده می باشد و از این رو از جایگاه محوری در مبادلات سیاسی، نظامی و هنری در میان کشورهای منطقه برخوردار بوده است. گمان می رود که غزنی برای اولین بار در سال ۱۵۰۰ قبل از میلاد، طوریکه پتلمیوس (ریاضی دان، جغرافی دان و منجم مشهور رومی) ذکر کرده است و در نوشته های خود غزنی را با نام های گزاکه یا گازوس یاد نموده است، پایه گذاری شده باشد. در قرن ششم قبل از میلاد، غزنی بخشی از امپراطوری فارس شد. قبل از گسترش اسلام به منطقه (احتمالاً در قرن نهم میلادی، اما قبل تر از آن سایر بخش های منطقه توسط نیروهای





عرب جنگجو تصرف شده بود)، غزنی مرکز اجتماع بزرگ بوداییان و صومعه های گسترده آنان (چیزی شبیه به موارد مشهوری در هدا که ننگرهار کنونی در آن واقع شده است) بود. دوره طلایی غزنی - و بخش عمده دوره ای که در این کتاب مورد نظر است - مربوط به ۲۰۰ تا اواخر قرن دهم تا اواخر قرن دوازدهم میلادی می شود؛ یعنی دوره حکومت امپراطوری غزنوی (برای معلومات بیشتر راجع به غزنویان به پاراگراف های بعدی مراجعه کنید). غزنویان که از طریق ثروت حاصل از جنگ های نظامی در شمال هندوستان، به قدرت و دامنه حکومت خود افزوده بودند، عمدتاً منجیث مسبین ورود اسلام به کشور قلمداد می شوند. در اواسط قرن دوازدهم میلادی، غزنی توسط غوریان فتح شد، اما با این وجود

هم غزنی منجیث یک مرکز فرهنگی تحت حکومت جدید پا به میان گذاشت تا اینکه یکبار دیگر و اینبار توسط چنگیز خان در اوایل قرن سیزدهم میلادی به غارت رفت. بسیاری از مسافرین قرن چهاردهم در نوشته های خود اشاره به این داشته اند که چگونه آن شهر عظیم پس از حمله چنگیز با خاک یکسان شد. در فاصله زمانی اواخر قرن چهاردهم الی اواسط قرن شانزدهم، این منطقه شاهد ظهور امپراطوری تیموریان با فرماندهی شاهزاده بابر تیموری، حاکم فرغانه، (واقع در شرق افغانستان امروزی) و فاتح قلعه بالاحصار در کابل بود که شمال هندوستان را اشغال کرده و امپراطوری مغول را پایه گذاری نمود و این امپراطوری تا زمان انقراض خود پس از اورنگ زیب در اوایل قرن هجدهم، بر اکثر بخش های شمال هندوستان حکمرانی می کرد. در اولین جنگ افغان -

انگلیس در سال ۱۸۳۹، شهر غزنی و قلعه آن توسط نیروهای انگلیسی طی نبرد غزنی فتح شد و در طول جنگ های تنظیمی در دهه ۱۹۹۰، تعداد بیشماری از بناهای تاریخی و صنایع دستی تخریب و یا به یغما برده شدند. غزنی به عنوان یک شهر دارای اهمیت استراتژیک که در مسیر کابل واقع شده است، همواره دستخوش حملات نیروهای متجاوز و اشغالگر بوده است. در تاریخ معاصر غزنی، شاهد بازسازی بخش هایی از شهر توسط دولت و تمویل کننده گان خارجی از طریق پروژه های بازسازی و تعلیمی بیشمار می باشیم. مقامات دولتی افغانستان در مورد آینده غزنی بسیار خوشبین است و به غزنی به مثابه



جایی می‌نگرد که برای یکبار دیگر به شهری مبدل می‌گردد که در جمله شهرهای مهم افغانستان قد علم می‌کند و احیای آن را به عنوان مرکز فرهنگ و آموزش، به مانند قدیم، پیش بینی می‌کنند.

امپراطوری غزنوی (۹۷۵-۱۱۸۷ میلادی)

شاید مناسب باشد به عنوان مشهورترین دوران تاریخی غزنی، اشاره ای به امپراطوری غزنوی داشته باشیم که بر بخش عمده منطقه از پاکستان، تاجیکستان و ترکمنستان در شمال گرفته (که به لحاظ تاریخی به ترانسوکسیان ها معروف هستند) تا ایران در غرب (فارس آن زمان) و در شمال شرق آن هندوستان موقعیت داشته که بیش از ۲۰۰ سال حکومت نمودند. اگرچه غزنی (که از آن پس به غزنه مشهور شد) در سالهای اخیر امپراطوری، به مرکز امپراطوری تبدیل شد، اما پایتخت در اواسط قرن دوازدهم به لاهور (پاکستان کنونی) انتقال داده شد، یعنی در سست زمانی که غوریان از مرکز افغانستان کنونی، غزنی را تسخیر کردند. اگرچه خاستگاه های قومی غزنویان به ترکان (این اصطلاح اشاره به مردمی است که عموماً در ساحه آسیای مرکزی امروزی زیست می کردند) برمی گردد، اما آنها شدیداً تحت تأثیر فرهنگی دیگر یعنی سامانیان (از ایران آن زمان) بودند و بسیاری از سنت های آنها و همچنین هنر و زبان آنها را اقتباس کردند.

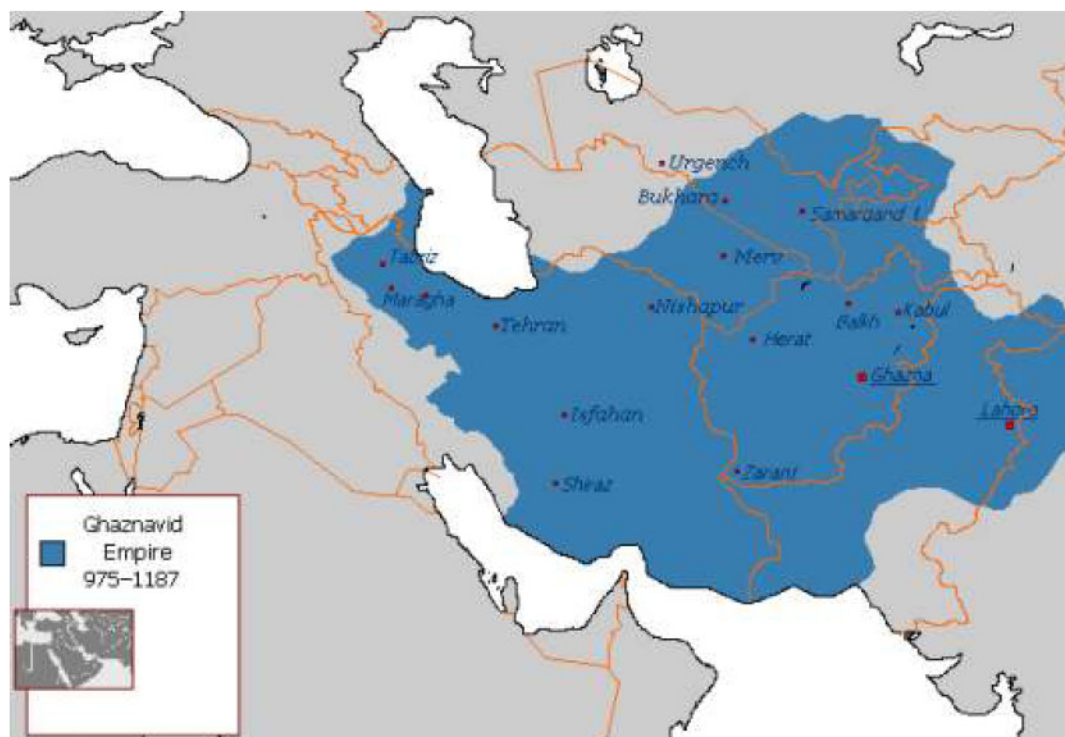
امپراطوری غزنویان که توسط سبکتگین ترک، که زمانی یک برده بوده و در جایی که بعدها به شهر ثروتمند و شکوفای غزنی مبدل گردید، پایه گذاری شد و سپس در نتیجه لشکرکشی های نظامی موفقانه فرزند مشهور غزنی، سلطان محمود غزنوی به شمال هندوستان به طور وسیعی گسترش یافت.

بازدید کنندگان (و مورخین) ساکن غزنی در قرن دوازدهم، پیچیدگی و ظرافت معماری و ساختمان



های کلان آن زمان را توصیف نموده اند، که از میان آنها می توان به کتابخانه های عامه بیشمار و کمی جلوتر، مناره های آغشته به نقش ستارگان که به نماد شهر مبدل گردیدند، اشاره نمود. اسناد تاریخی اشاره به برپایی جشن های شکوهمند و پرخرج توسط درباریان و وزرای حکومتی آن زمان و ارزش، ماهیت و زیبایی اشیای زیاد متعلق به ساکنین شهر دارند. شکست مسعود اول و بهرام شاه (که هر دو از نوادگان محمود بودند) و در فرجام تسخیر دومین پایتخت یعنی لاهور در اواخر قرن دوازدهم توسط غوریان به امپراطوری غزنویان پایان بخشید. اما با این وجود، غزنویان میراثی از هنر و معماری های زیبا و شکوهمند و تاریخی چشمگیر از خود بر جای گذاشتند که بازمانده های آن هنوز در غزنی کنونی موجود است و بخشی از آنها در این کتاب معرفی شده اند.

قلمرو امپراطوری غزنویان بین قرن دهم و دوازدهم میلادی



مشاهیر تاریخی غزنی

شخصیت های مشهور از ولایت غزنی و امپراطوری سابق غزنویان

ولایت غزنی مهد پرورش مشاهیر بیشماری بوده است که به خاطر استعداد و یا مهارت های شان به عنوان شعرای درباری، نویسندگان دینی، دانشمندان و فرماندهان نظامی یا به خاطر سهمی که در صورت بندی تاریخ کشور و منطقه ایفا نموده اند، نامشان تاکنون از ذهن مردم پاک نگردیده است. تاجایی که ما در سال ۲۰۱۱ می دانیم و با توجه به تبدیل شدن امپراطوری غزنویان (که قلمرو آن از هندوستان کنون به غرب ایران امتداد می یافت) به شهری که امروز تنها ۲۳۰۰۰ کیلومتر مساحت دارد، می توان گفت که تمامی این افراد الزاماً در ولایت غزنی متولد نشده اند. در حالیکه برخی از این شخصیت ها از سرتاسر امپراطوری غزنویان به غزنی آمده بودند و مدت اندکی را در آنجا سپری کرده بودند، تعداد دیگری از آنها ممکن است در غزنی یا نزدیکی آن دفن شده باشند یا اینکه پیوندهای مهم دیگری با این مکان داشته اند. در این قسمت از کتاب، نگاهی می افکنیم به برخی از شخصیت های مشهورتر این دوره که ممکن است با تعدادی از آنها آشنا باشید. در توصیف این شخصیت ها، به مانند تمامی شخصیت های تاریخی، به معلوماتی تکیه می کنیم که در طول زمان از نسلی به نسلی دیگر منتقل شده اند یا سالها قبل به ثبت رسیده اند. از این رو، همیشه نمی توان تشخیص داد که نوشته های گذشته تا چه میزان دقیق هستند یا اینکه آیا تصویری که ارائه می کنند، جنبه ای واقعی از ابعاد شخصیتی این افراد را به نمایش می گذارد یا خیر.

ابومنصور سبکتگین - بنیانگذار امپراطوری غزنویان

(مقبره او هنوز در غزنی کنونی موجود می باشد)

ابو منصور سبکتگین یا سبکتگین که اصالتاً یک ترک تبار بود، توسط یکی از اقوام همسایه زندان شد و به عنوان برده در بخارا (ازبکستان) ابتدا به یک تاجر و سپس به یک مرد ثروتمند به نام الپ تیگین، فردی پرآوازه میان حکمرانان امپراطوری خراسان، فروخته شد. مدتی بعد، الپ تیگین بر علیه قدرت های امپراطوری دیگر در منطقه، یعنی سامانیان، به شورش برخاست و اقدام به تسخیر زابلستان و غزنی نمود. وی سبکتگین را به مانند پسر خویش پرورش داد، او را جنرال لشکر خود ساخت و دخترش را به همسری او درآورد. سپس سبکتگین در سال ۹۷۷ به حکمرانان یا امپراطور محبوب غزنی تبدیل شد. وی با فتح سرزمین هایی که در شمال تابلخ و در غرب تاقندهار (که بخش اعظم منطقه خراسان را فرامی گرفت) و در شرق تارود سند امتداد می یافت، قلمرو امپراطوری غزنی را وسعت بخشید. خلیفه بغداد وی را به سمت فرمانروای تمامی مفتوحات خود درآورد. سرانجام، سبکتگین در سال ۹۹۷ مرد و پس



از او پسر کوچکترش، سلطان اسماعیل غزنوی روی تخت نشست. محمود (غزنوی) برادر کوچکتر خود، سلطان اسماعیل غزنوی، را از میان برداشت و پس از فتح غزنی لقب سلطان جدید را بر خود نهاد (احتمالاً این لقب برای اولین بار در این منطقه استفاده شده است).

سلطان محمود غزنوی - کشور گشا، حامی علم و هنر

سلطان محمود شاید مشهورترین چهره غزنی باشد که هنوز هم در سرتاسر کشور و بخش عمده ای از منطقه چهره ای شناخته شده است. سلطان محمود که در سال ۹۷۱ میلادی متولد شد، از سال ۹۹۷ تا ۱۰۳۰ میلادی حکمرانی کرد. سلطان محمود پسر نصرالدین سبکتگین (بنیادگذار امپراطوری غزنویان) بود. تاریخ هیچ گاه نام وی را به خاطر کامیابی های نظامی، جاه طلبی، اراده قوی و شهامت او از یاد نمی برد. در عین حال، وی یکی از دوستان ادبیات و هنر بود و از این رو بسیاری از دانشمندان، نویسندگان و فرهیختگان را در اطراف خود جمع نمود. وی همچنین به خاطر مطالعه گسترده الهیات اسلامی و برخی داستان های محلی زمان خود صاحب شهرت و آوازه می باشد. در دوره تحولات سیاسی گسترده و نابسامانی سیاسی در قرن دهم، به خصوص در جایی که امروزه با نام ایران شرقی (که در آن زمان تحت حکومت سه خاندان بود که دائماً با همدیگر در حال جنگ بودند) یاد می شود، محمود غزنوی و پدر او این پادشاهی ها را یکی پس از دیگری منقرض ساختند و کل ایران شرقی، خراسان و افغانستان را در قالب امپراطوری غزنویان متحد ساختند. آنها ضمن اقتباس فرهنگ، زبان و سنت فارس، ارتقای اسلام را تضمین نمودند. وی شهر اسبق



غزنی واقع در مرکز قلمرو امپراطوری را منحیث پایتخت امپراتوری خود برگزید که از کردستان در شرق تا سمرقند در شمال شرق و از کرانه های دریای خزر الی یامونا (واقع در هندوستان شمالی امروز) امتداد می یافت. سلطان محمود همچنین یکی از اولین حکمرانان در منطقه است که لقب سلطان را بر روی خود گذاشت. در دوره حکومت وی، غزنی به یکی از شهرهای مشهور آسیای میانه مبدل گشت و به خاطر حمایت دانشمندان، تأسیس دانشگاه ها، و ایجاد باغ ها، مساجد، قلعه ها و کاروانسراها صاحب شهرت و آوازه فراوان شد. سلطان محمود همچنین فردوسی، شاعر قرن دهم، را در زمینه نگارش شاهنامه کمک نمود. طی دوره حکومت سلطان محمود، دانشگاههایی تأسیس شدند که در رشته های متعدد از جمله ریاضیات، علوم دینی و طب تدریس می کردند. سلطان محمود اسلام را به عنوان دین



رسمی حکومت خویش به رسمیت شناخت. در قلمرو امپراطوری سلطان محمود، زبان فارسی به میزانی گسترده تکلم می شد و از این رو فارسی به عنوان زبان رسمی به رسمیت شناخته شد. در ۳۰ اپریل ۱۰۳۰ میلادی سلطان محمود در سن ۵۹ سالگی در طول آخرین حمله خود به هندوستان، به علت بیماری ملاریا و توبرکلوز وفات نمود. سرانجام، غوریان غزنی را در سال ۱۱۵۰ میلادی تصرف کردند و محمد غوری در سال ۱۱۸۷ میلادی آخرین سرزمین تحت تسلط غزنویان در لاهور را فتح نمود. یکی از مورخین چینی به نام ژائو روگوا در سال ۱۲۲۵ میلادی در نوشته خود راجع به منطقه به توصیف غزنی و محمود پرداخته است. وی در این اثر تصویر محمود را کشیده است که این تصویر نشانگر مردی است نیرومند که... بر



پشت اسب گریزی آهنین به وزن ۵۰ کاته (۲۵ کیلوگرام) حمل می کند، او فرمانروایی است ثروتمند و قدرتمند که همه مردم مغرب زمین از او می هراسند.

امروزه نام محمود بزرگ غزنه، در سرتاسر منطقه در خاطر مردم باقی است، اگرچه کشورهای مختلف خاطرات (و سرگذشت) مختلفی از این حاکم تاریخ در ذهن دارند. در افغانستان و پاکستان، مردم هنوز هم سلطان محمود را به عنوان یک قهرمان و دلاور مرد و یکی از دوستان اران سرسخت هنر، معماری، علم و ادبیات می شناسند و یاد او را به عنوان شخصی که زمینه ورود اسلام به هندوستان را مساعد نمود، گرامی می دارند. در پاکستان کنونی، سلطان محمود هنوز هم به عنوان یک قهرمان یاد می شود که



اسلام را در آنجا تثبیت نمود، در حالی که تصویری که از سلطان محمود در میان مردم هندوستان وجود دارد عبارت از شخصی است غارتگر که بسیاری از معابد هندوها را تخریب و خود هندوها را به بردگی گرفت و مجبور به روی آوری به اسلام نمود. اما در ایران او را منحصیث یک شخصیت شدیداً پیرو اصول عقیدتی مذهبی می شناسند که به احیای زبان فارسی کمک نمود. وی از طریق بکارگماری فارسی زبانان در مقامات عالی دربار و حمایت از دانشمندان و شعرایی همچون فردوسی باعث رونق هر چه بیشتر این زبان گردید.

مسعود اول غزنوی

پس از مرگ محمود غزنوی، پسرش با توسل به زور (با کور کردن و سپس به زندان افکندن برادر کوچکتر خود محمد که گفته می شد پس از مرگ محمود بزرگ شایسته جلوس بر تخت بود) بر تخت نشست. مسعود طی حکومت پدرش یک فرمانده بسیار توانا و جاه طلب بود و در نتیجه موفقیت های نظامی به سمت ری (محل وقوع یک نبرد مشهور عباسیان در ایران)، بلخ، هرات و اصفهان برگزیده شد. اولین نبرد اصلی مسعود در سال ۱۰۳۱ در مکران به وقوع پیوست و از آن زمان به بعد او ۱۴ نبرد دیگر را رهبری کرد و احتمالاً به خاطر کناره گیری او از غزنی بود که لاهور به عنوان پایتخت جدید حکومت او برگزیده شد و از سوی دیگر فرماندهان او بدون درنگ شورش های موجود در غور کنونی را سرکوب نمودند. زمانی که مسعود لشکر خود را به لاهور برد، بخش عظیمی از لشکر بر علیه او شورش کردند و محمد، برادر کور شده مسعود، را در شرایطی که امپراطوری رو به انقراض می رفت به مقام اصلی اش یعنی حکمران امپراطوری غزنویان برگزیدند. مسعود توسط برادرش در قلعه کوری به زندان افکنده شد و مدتی بعد به دستور برادرش به قتل رسید. اگرچه مسعود را یک حاکم مستبد می خوانند اما او یکی از دوستانان هنر و از شیفتگان شعر عرب بود.



مسعود سوم و بهرام شاه

مسعود سوم بن ابراهیم (نام کامل او) در سال ۱۰۹۹ میلادی چشم به جهان گشود (وفات: ۱۱۱۵ میلادی) وی از تبار محمود غزنوی بود. مسعود سوم بیشتر وقت خود را در کاخ بزرگش سپری کرد که خود در سال ۱۱۲۱ میلادی در شرق پایتخت قدیمی ساخته بود که پس از حمله غوریان در سال ۱۱۵۱ میلادی که بر جای غزنویان نشستند، به آتش کشیده شد. این کاخ به داشتن آثار شعر فارسی



بر روی قطعه های مرمر که اطراف دربار مرکزی کاخ را پوشانده اند، مشهور می باشد و این آثار نمایانگر قهرمان بودن مسعود سوم و تبار او و پیوندهای آنان با افسانه های حماسی فارسی می باشد (به بخش باستان شناسی رجوع شود). از سوی دیگر آنچه امروزه به مسعود شهرت بخشیده است، حفاظت از

مناره های آراسته به نقش ستارگان (یا برج جنگ) است که در بیرون از غزنی کنونی واقع شده اند (این قطعه جالب از معماری غزنویان یکی از نمونه های بجای مانده از حکاکی خط کوفی بر روی خشت است که به تفصیل در بخش باستان شناسی / معماری تشریح شده است). مسعود سوم سه پسر داشت به نامهای شیرزاد، مالک و بهرام شاه.



مسعود و پسرش در دوره های نسبتاً آرام

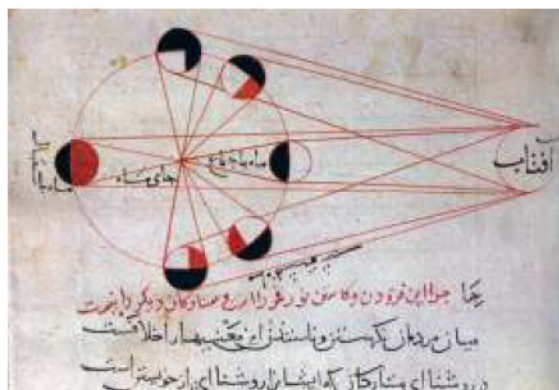
امپراطوری و تا قبل از تصرف قلمرو حکومتی توسط امپراطوری غوریان در اواخر قرن دوازدهم، حکمرانی کردند. مسعود سوم، به مانند پدر و اجداد خویش، یک جنگجوی پرتوان بود و به طور فعال در حملات به هندوستان سهم می گرفت و با ثروتی که از هندوستان با خود می آورد، به انکشاف شهر غزنی و ساختن کاخ ها، باغ ها و بناهای عظیم بیشمار می پرداخت؛ بناهایی که امروز چیزی از آن باقی نمانده است. پس از مرگ مسعود سوم، پسران او بر سر کسب قدرت با بهرام شاه وارد نبرد شدند که سرانجام کوشش های شان به پیروزی منجر شد. همچنین در مناره دوم از دو مناره ای که هنوز در غزنی وجود دارند، از مسعود سوم یاد شده است.

البیرونی (ابوریحان) - دانشمند، نقشه نگار، زبان شناس و منجم مسلمان

البیرونی، مشهور به الاستاد، در سال ۹۷۳ میلادی در خوارزم به دنیا آمد. وی یکی از دانشمندان پرآوازه عصر خود بود که در اثر گسترش قلمرو امپراطوری محمود غزنوی به سوی غرب، شهر زادگاه خود خوارزم را ترک گفت و رهسپار غزنی شد. تحت حکومت پسران محمود، مسعود اول، (که بین سالهای ۱۰۳۰ الی ۱۰۴۰ میلادی قدرت را به دست داشت)، البیرونی به نشانه علاقمندی غزنویان به علوم، مخصوصاً نجوم، ترغیب به ادامه مطالعات علمی اش شد.



در سال ۱۰۳۶ میلادی البیرونی مشهورترین اثر خود را تکمیل نمود. این اثر کتابی بود حاوی جدولی اختر شناختی (نجوم) به همراه بیش از ۶۰۰ مدخل و طول و عرض جغرافیایی اماکن در سرتاسر جهان. اگرچه او بیشتر به خاطر دستاوردهای اختر شناختی و



ریاضی خویش مشهور است، در عرصه های دیگر نیز دارای استعداد فراوان بود، از جمله تکلم و خواندن زبان یونانی (که در آن زمان کمتر کسی آن را یاد داشت)، فزیک و تاریخ. وی همچنین به مطالعه تحقیقات علمی که در هندوستان انجام میشد، به خصوص قومیت، دست یازید و مطالعات پر شرح و بسط او در قرن یازدهم در مورد هندوستان سبب شده است که او را اولین بشرشناس تاریخ نام نهند. البیرونی علاقه ای خاص به بهبود معیارهای نقشه نگاری اسلامی و طرح هایی از قبیل اندازه گیری عرض البلد

و تفاوت های میان طول البلد (که هر دورا در خوارزم و غزنه اندازه می گرفت)، از طریق نظاره کردن به افق از بالای کوه داشت. وی موفق شد که طول البلد غزنه را اندازه بگیرد و نظریه ای برای محاسبه قبله از هر نقطه ای از جهان صورت بندی کرد. البیرونی بیشتر از ۱۴۶ کتاب تخیلی در مورد علوم و سایر مضامین به لسان های فارسی و عربی نگاشته است که از میان آنها می توان به تاریخ محمود غزنی و پدرش ابو سبکتگین اشاره نمود. البیرونی در سال ۱۰۴۸ در سن ۷۵ سالگی دیده از جهان فرو بست. مرقد وی در غزنی کنونی واقع می باشد.

فرخی سیستانی - شاعر دربارهای شاهان

فرخی سیستانی را یکی از زیبا گفتارترین شعرای فارسی می دانند که ابتدا در دربارهای شاهان صفاریان سیستان و سپس در



دربارهای شاهی غزنویان (ابتدا برای محمود غزنی و سپس برای پسر او مسعود) در قرون دهم و یازدهم خدمت نمود. مشخص نیست که فرخی سیستانی در چه تاریخی متولد شده است، اما وی احتمالاً در سال ۱۰۳۷ میلادی از دنیا رفته است. وی همچنین یک موسیقی دان با استعداد بود و در آواز خوانی و کار با برابرات مهارت داشت. یکی از مشهورترین اشعار فرخی سیستانی، یک قصیده است. این قصیده به قدری زیبا بود که وقتی سیستانی آن را ارائه کرد جایگاه شاعر دربار شاهی را به خود گرفت.



نام این شعر با کاروان حله است و چنین آغاز می شود:

با کاروان حله یرفتم ز سیستان

با حله ۶ تنیده زدل، یافته زجان

فرخی همچنین شعری تحت عنوان داغگاه (اسطبل هایی که در آن آسب را با آهن داغ علامه می زدند) سروده است که مبتنی بر توصیف جایی است که شخصی از اهل کاخ برای او کرده است. شعر او شاه را چنان تحت تأثیر قرار داد (زیرا فرخی هرگز جایی که آسب ها برای شاه داغ زنی می شدند، ندیده بود) که ۴۰ آسب را به او تحفه داد. این شعر چنین آغاز می شود:

چون پرند نیلگون بر روی پوشد مرغزار

پرنیان هفت رنگ اندر سر آرد کوهسار

حکیم سنایی غزنوی (یا ابوالمجد مجدود بن آدم)

حکیم سنایی شاید مشهورترین شاعر صوفی و نویسنده ای باشد که در غزنی می زیست و یادش هنوز در اذهان مردم زنده است و از نوشته هایش تمجید می شود. سنایی در سال ۱۰۸۰ میلادی در غزنی چشم به جهان گشود و گفته می شود که در سن ۵۱ سالگی از دنیا رفته است. او شاعر دربار حاکم غزنوی، بهرام شاه (۱۱۵۲-۱۱۱۸ میلادی) که مناره ای در غزنی به نشانه یادبود او ساخته شده است) بود و سالهای متعددی در خدمت او به سر برد تا اینکه پس از ملاقات یک صوفی به نام لایخور در طول مسافرت با بهرام شاه تصمیم به ترک دربار و عزیمت به سوی حق گرفت؛ علیرغم اینکه شاه وعده کرده بود اگر در خدمت او باقی بماند دخترش را به همسری او در خواهد آورد و او را ثروتمند خواهد ساخت. حدیقه الحدیقه و شریعه الطریقه مشهورترین و محبوب ترین اثر سنایی می باشد که در طول ۹۰۰ سال یکی از کتاب های مهم صوفی بوده است. این آثار همگی بازتاب تفکرات او در مورد خدا، فلسفه، عقل و عشق هستند و تماماً به بهرام شاه اهداء شده اند. می توان گفت سنایی کسی بود که برای اولین بار قصبیده، غزل و مثنوی را برای بیان مفکوره های فلسفی، اسطوره ای و اخلاقی سوفیسم به کار بست. مولانا نیز سنایی را به عنوان یکی از دو منبع الهام بخش آثارش بر شمرده است. مضمون شعر سنایی غالباً یاد خدا کردن است و این اصل در آثار او به مثابه رایحه مسیر عشق قلمداد شده است. مشهورترین نوشته های سنایی در اثر حدیقه الحدیقه جمع آوری شده است. در این اثر وی داستانی آورده است تحت عنوان مردان کور و فیل که به چندین آیین نسبت داده می شود. در این داستان (که گمان می رود ریشه آن از هندوستان باشد) از جمعی از مردان نابینا (یا به روایات دیگر مردان در تاریکی)، که تا آن زمان فیل ندیده بودند، خواستند تا فیلی را لمس کنند و تصویری از او بدهند. اما از آنجا که هر یک تنها میتوانستند یک عضو از بدن فیل را لمس کنند، به تصویر درستی از فیل دست نیافتند و نظرات آنها در مورد ماهیت اصلی فیل از همدیگر متفاوت بود.



الغ بیگ - شاهزاده تیموری، منجم و ریاضی دان

الغ بیگ شخصیت تاریخی بسیار مهم دیگری از همین قلمرو است. او نجیب زاده ای از دوره تیموریان (۱۳۷۰-۱۵۲۵) در افغانستان و یکی از اولین دانشمندان واقعی منطقه طی دورانی بود که علومی همچون ریاضیات و نجوم هنوز در حال کشف بودند. الغ بیگ در سال ۱۳۹۴ میلادی متولد شد و ۵۵ سال عمر نمود. به یادبود الغ بیگ و پسرش عبدالرزاق، مقبره ای در غزنی کنونی در نزدیکی قریه روضه بنا گردیده است. اگرچه این مقبره به نام الغ بیگ بنا شده بود ولی پس از قتل وی در سال ۱۴۴۹ (توسط یکی از دیگر پسرانش)، وی به عنوان یک شهید در گور امیر، محل دفن تیمور لنگ، به خاک سپرده شد. مقبره ای که امروز ما می بینیم به نام عبدالرزاق است و اخیراً مورد بازسازی قرار گرفته است تا در آن موزیم هنر اسلامی را بنا نهند.

الغ بیگ نواسه کشور گشای تاتار، تیمور لنگ بود و در مارچ ۱۳۹۴ میلادی در سلطانیه (ایران کنونی) متولد شد. در هنگام تولد نام محمد تراگای را بر او نهادند، اما اندکی بعد لقب الغ بیگ به معنای شاهزاده بزرگ را به او دادند. اگرچه در سال ۱۴۰۹، وی به سمت والی مورناکر (واقع در جنوب شرقی ازبکستان کنونی) برگزیده شد، سمرقند شهر اصلی آن منطقه و محور توجه الغ بیگ



بود. در حالیکه پست والی او را ملزم به درگیری در سیاست و اداره امور روزانه منطقه می کرد، آنچه در اصل او بدان علاقمندی داشت، مطالعه علوم بود. الغ بیگ بیش از هر چیز به خاطر تبدیل سمرقند (در ازبکستان) به یک مرکز برجسته هنر و علوم در جهان در آن زمان، مشهور می باشد. وی مدرسه ای بزرگ

تأسیس نمود که از مهمترین رصدخانه های جهان در طول قرن ۱۵ بر شمرده می شد (و همچنین منبعی تخصصی در زمینه نجوم بود). وی در همکاری با بسیاری از دستیاران علمی، ذیج جدید سلطانی (جدول ستاره شناختی (نجوم) مهم) و فهرست کاملی از ستارگان تولید نمودند. اما با وجود اینکه رصدخانه سمرقند تمام این امکانات را داشت در اواخر قرن پانزدهم منهدم شد و تا سال ۱۹۰۸ میلادی نامکشوف باقی ماند. از میان بسیاری از پروژه های احداثی وی می توان به مدرسه دو منزله و شکو همد او در سمرقند و یک مدرسه دیگر در بخارا اشاره نمود. ساخت رصدخانه در سال ۱۴۲۴ با طرحی مشابه به رصدخانه تبریز آغاز شد. این رصدخانه روی تهدایی مدور به قطر ۸۰ متر و ارتفاع ۳۳ متر بنا شد. یکی دیگر از منجمان مشهور مسلمان به نام علی قدسی، مدیریت



رصدخانه را برعهده داشت و الگ بیگ را در تهیه فهرست حاوی بیش از ۱۰۱۸ ستاره جدید یاری می کرد. شاید این فهرست دومین فهرست اصلی ستارگان از زمان هیپارکوس (۱۷۰-۱۲۰ قبل از میلاد) باشد.

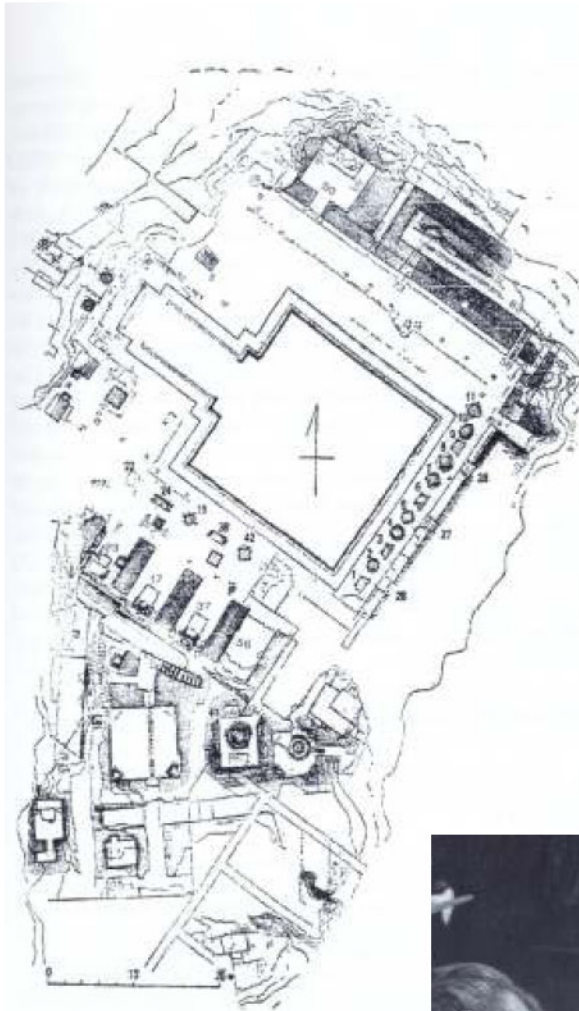
معماری و باستان شناسی غزنی

در شرح تنوع و چیره دستی معماری (و باستان شناسی) غزنی تنها به چند نمونه اشاره می کنیم که امروز همچنان در مناطق گوناگون پابرجا هستند. قدمت برخی از این آثار به دوره ماقبل اسلام بر می گردد و در سطح ملی و جهانی حائز اهمیت هستند و از طرف دیگر بسیاری از این بناهای شگفت انگیز مربوط به اوایل اسلام و دوره اسلامی می باشند. معهدا، باید به خاطر داشت از آنجا که قلمرو امپراطوری سلسله غزنویان (۹۷۵-۱۱۸۷) در قرون دهم و یازدهم ساحه جغرافیایی کلانی را فرا می گرفت، نمونه هایی از معماری اعجاب انگیز این دوره در بیرون از غزنی کنونی وجود دارند. یکی از نمونه های مهم این سنخ معماری که ممکن است با آن آشنا باشید، قصر لشکر بازار، واقع در هلمند امروزی، یا مناره جام (که توسط امپراطوری غوریان که کنترل غزنی را در اواخر قرن دوازدهم بدست گرفتند، بنا شد) می باشد که در سال ۲۰۰۲ در لیست جهانی یونسکو قرار گرفت. هر دوی اینها دارای ساختار بسیار منحصر به فرد خود می باشند. قبل از ورود اسلام به منطقه، ساحه ای که امروزه تحت نام ولایت غزنی از آن یاد می شود، محل حکمرانی سایر سلسله ها و تبارها بود که دارای معماری متفاوت بودند و در خلق بناهای تاریخی و مذهبی شیوه های مختلف را به کار می بستند. غزنی (به همراه مناطقی واقع در شمال شرق که در حال حاضر ولایات لوگر و ننگرهار بر آن واقع شده اند) به طور خاص محل زیست تعداد کثیری از بودائیان بود که در امتداد جایی که بعدها جاده ابریشم (مسیرهای تجاری باستانی که فارس و آسیای میانه عبور می کردند و اروپا را چین متصل می ساختند) نامید شده، کار و تجارت خود را به خصوص در قرن هفتم تا زمان ورود اسلام به منطقه در سال ۶۴۸ پس از میلاد، رونق بخشیدند. اگرچه بسیاری از قطعه ها و صومعه های این دوره از تاریخ غزنی، مفقود شده اند (یا هنوز نامشکوف هستند)، باستان شناسان افغان با کمک خارجیان تعدادی از آنها را توسط حفاری کشف نموده اند که از معروفترین آنها می توان معبد تپه سردار را نام برد.

معبد تپه سردار: آخرین معبد از معابد بودائیان

غزنی یا شهر حسینیه را برای اولین بار و طور درست، شخصی به نام هسوئن تسان (مسافر چینی) طی سفرش از میان جایی که بعدها جزو پادشاهی بودائیان تسو کو کاشد، توصیف نمود. وی در نوشته اش، نام ده معبد بودائیان، چندصد سنگناراماس (معبد صومعه) و چندین هزار کاهن را ذکر کرده است. تپه سردار شاید یکی از معابدی باشد که هسوئن تسانگ حدود ۱۴۰۰ سال پیش از کنار آن سفر کرده است. باستان شناسان افغان و ایتالی در دهه ۱۹۵۰ به دقت این ساحه را حفاری کردند و طی حفاری های محدود تعداد اندکی از آثار تاریخی کشف شد (در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ پروژه های گسترده تر در این زمینه صورت گرفت). در نتیجه این حفاری ها، بازمانده های یک صومعه بودایی بسیار بزرگ کشف شد که با برخی از بناهای کشف شده در ساحاتی از جمله هدا در ننگرهار قابل مقایسه است که به خاطر صومعه ها، معابد و معماری منحصر به فرد خود مشهور است. سروی های انجام شده در تپه





سردار نشان می دهد که این ساحه دارای یک معبد بودایی اصلی (گنبدی گلی که بعدها با سنگ های کنده کاری شده مانند سنگ آهن یا ماسه سنگ تزئین شد) می باشد که در آن مراسم تدفین بوداییان اجرا می شده است و نشانگر معنای مذهبی خاصی می باشد. این معبد یا یادبود مذهبی، که احتمالاً همتای دیگری قبل از آن ساخته شده است، یکی از عظیم ترین مکشوفات در افغانستان می باشد (که از اهمیت فراوان برخوردار است) و پایه آن به مساحت ۲۴۲۴ متر می باشد (بخش گنبدی شکل از بین رفته است). این بنای تاریخی توسط معابد مخصوص نذورات و گلداسته های مزین به مجسمه ها و تصاویر مذهبی و ساخته شده از گل احاطه شده است. این طرح و نقش ها در اطراف بنای مذکور شکل گرفته اند تا منظره های آن را بیشتر جان بخشند. بقایای بجا مانده در این معابد (معابد معمولاً مکانهای امنی بودند که بیشتر به ساختمانهای که در آن مراسم مذهبی انجام می

شده است گفته می شده است) که شامل پارچه های از مجسمه های بودا، بوداهای نشسته و نیز بوداهای خوابیده که به طول ۱۵ متر بوده است، که کاملاً از گل سفید ساخته شده است. این معبد مقدس همچنین دارای یک مجسمه هندو نیز بوده است، که در آن یک تصویر کلان از دروگالا (از تصاویری که در مذاهب هندو مروج است) کشف گردیده، که معمولاً یافتن آنان در این





ساحه کمی عجیب می باشد. نقاشیهای دیواری (نقاشی های روی گچ های خشک نصب شده بر دیوار یا سقف یک بنا)، کتب خطی و تندیس های زیبا نیز در این مکان کشف شده اند و به جاهای امن و مصون در غزنی و موزیم ملی در کابل انتقال داده شده اند. گمان می رود که این معبد ضمن تجاوز اعراب در قرن هفتم و یکبار دیگر توسط صفاریان در قرن نهم تخریب گردیده است. اگرچه در سال ۲۰۰۳ قسمتی از این ساحه بازسازی شده است، با وجودیکه چیزهای زیادی در رابطه با تاریخ و عقاید ساکنین این ساحه نامکشوف باقی مانده است، حفاری های بیشتر در آن صورت نگرفته است. تأسف آور اینکه مجسمه خوابیده بودا در این ساحه در سال ۲۰۰۵ توسط شورشیان تخریب گردیده است، اما با این وجود هم، معبد تپه سردار، یکی از مهمترین ساحات باستانی افغانستان از دوره قبل از اسلام، و دیگر بناهای تاریخی مورد نظر این کتاب، شایسته نگهداری و محافظت می باشند.



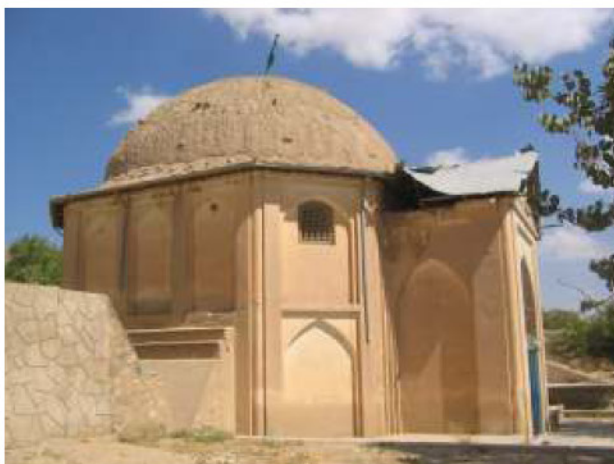
معماری غزنویان

تاریخ بسیاری از بناهای چشمگیری که در ولایت غزنی (و همچنین افغانستان) به جای مانده اند، به دوره حکومت سلسله غزنویان (۹۷۵-۱۱۸۷) برمی گردد که قلمرو آن افغانستان، خراسان، بلوچستان و شمال غرب هندوستان را فرا می گرفت. معماری این دوره به مقیاسی گسترده شامل ساخت و ساز با سنگ و تزیین با خاک رس و دست نوشته ها می باشد. یکی از نمونه های بناهای دوره غزنویان، نقشه ای است با چهار ایوان که در قصر لشکرگاه در بالای رود هلمند در این ولایت تطبیق شده است.

مقبره محمود غزنوی - میدان گشا و هنرپور

مقبره سلطان محمود غزنوی، که از سال ۹۹۸ الی ۱۰۳۰ میلادی حاکم امپراطوری غزنوی بود، واقع در شرق شهر در نزدیکی قریه

روضه می باشد که امروزه از آن با نام باغ زمرد یا باغ فیروزی یاد می شود و این بنای تاریخی یکی از مکان هایی بود که سلطان محمود برای گریز از شهر از آن استفاده می کرد. بنای فعلی یک بنای باستانی محسوب نمی شود (و تا حدی بازسازی شده است)، اما سنگ قبرهای زیبایی این حاکم غزنی را در خود جای داده است. مقبره سلطان محمود به احتمال بسیار زیاد توسط پسرش، مسعود اول، بنا شده است. قبر



سنگی او آراسته به سنگ مرمر سفید بوده و سر آن با قطعه سنگ مرمر سه گوش پوشانده شده است. قسمت فوقانی سنگ قبر با خط اسلامی حکاکی شده و کناره های بخش اصلی آن را قاب هایی فرا گرفته است که روی آنها به شکلی زیبا خط کوفی حکاکی شده است. بسیاری از سایر مرقد های ساخته شده از سنگ مرمر در باغ و در ساحات مجاور آن واقع شده اند، اما بیشتر آنها اکنون تاراج شده اند و سنگ های مرمر آنها توسط غارتگران برداشته شده است. از توصیفات و نوشته های مسافران پیداست که مقبره سلطان محمود دارای دروازه های حکاکی شده از جنس چوب سدر است که گفته می شود سلطان محمود طی حمله اش به منطقه در قرن دهم، آن را از معبد هندوان سومنات در هندوستان با خود آورده است.



اما با این وجود هم، جای تردید است که آیا این دروازه در هندوستان ساخته شده است یا در غزنی. به هر حال، این دروازه در قرن نوزدهم از غزنی به هندوستان انتقال داده شد و امروز در قلعه ای واقع در اگرا به نمایش گذاشته شده است. این دروازه هنوز هم نمایانگر یکی از ابعاد برجسته ذوق هنری غزنویان می باشد و این ذوق هنری از روی خطاطی و نقش و نگارهای گلداز حکاکی شده روی چوب هویدا است.

مناره ها (یا طاق های ظفر) بهرام شاه و مسعود سوم

احتمالاً شناخته شده ترین بناهای غزنویان در ولایت غزنی وجود دارد که نامشان در سرتاسر کشور به عنوان سمبل حکومت غزنویان و همچنین در سرتاسر جهان مشهور است. بسیاری از شما قطعاً این بناها را در عکس ها و تصاویر دیده اید یا حتی ممکن



است از آنها بازدید کرده باشید. عکس های تاریخی زیادی از این دو مناره (یا به گفته عده ای طاق ظفر) وجود دارد که نشان می دهد آنها چقدر در طول سالهای متمادی دستخوش تغییرات شده اند. آنچه امروز از این دو مناره بر جای مانده است، در واقع تنها بخش تحتانی آنهاست که حدود ۲۰ متر ارتفاع دارد و قسمت فوقانی باریک تر آن احتمالاً بر روی بخش عریض تر پایین آن قرار گرفته است - که با این وجود ممکن است ارتفاع واقعی مناره ها دوچند ارتفاع چیزی باشد که از آن در سال ۲۰۱۱ باقی مانده است (سقف های باریک مناره جدیداً ساخته شده اند). اگر چنین فرض شود که این دو بنا، مناره بوده اند و نه برج پیروزی، پس احتمالاً مساجد کوچکی در مجاورت آنها وجود داشته است. اما تحقیقات باستان شناسی هنوز مدرکی بدست نیاورده است حاکی از اینکه در نزدیکی این دو مناره مسجدی وجود داشته است، با این وجود هم احتمالاً این مساجد از خشت گلین ساخته شده اند و از این رو پس از فروریزی آنها در سالهای بسیار دور، کشف مجدد آنها کاری بسیار مشکل شده است. گفته می شود که این مناره ها منبع



الهامی بودند برای طراحی و ساخت مناره جام در ولایت غور که ۶۵ متر ارتفاع دارد (و توسط غوریان در سال ۱۱۹۰ میلادی ساخته شد). مناره مسعود سوم احتمالاً مدتی زودتر از سایر مناره ها (شاید بین سال های ۱۰۹۹ و ۱۱۱۵) ساخته شده است. بخش تحتانی بازمانده از این بنا، به شکل ۸ ضلعی بوده و پایه آن به پهنای ۸ متر است. تمام بخش های این مناره از خشت های پخته ساخته شده اند و پله های در پهلوی خود دارند که اکنون بیشتر پله های آن نابود شده است. معیناً، خصوصیت اصلی این مناره (جدداً از ستاره شکل بودن آن)، عبارت از حکاکی هنری روی خشتهای واقع در کناره های مناره است که هنوز هم می توان آنها را تفکیک نمود به ۸ بخش اصلی مرکب از اشکال و نقوش، از جمله خط کوفی و نقش ستارگان، و ۸ بخش مرکب از قاب های مربع شکل از جنس خشت و کاشی و مزین به خط کوفی. قاب های مربع شکل روی مناره ها، از مهمترین جنبه های بنای مذکور به



حساب می آیند که حاوی نام های مسعود و پیامبر هستند. چهار قاب دیگر حاوی تصاویر گل، اشکال هندسی در هم بافته و سوره الفتح (سوره ۴۸ از قرآن کریم) می باشند. تمام تزئینات روی کناره های مناره احتمالاً ابتدا در جای دیگر آماده و سپس بدان چسبانده شده است، زیرا در غیر آن کار بسیار مشکل می شد. بخش فوقانی مناره برای آخرین بار در سال ۱۱۸۰ دیده شد (و در یک عکس و برخی از رسامی های آن زمان ثبت شده است)، اما در اثر زلزله ای در سال ۱۹۰۲ منهدم شد. مناره بهرام شاه (پسر مسعود)



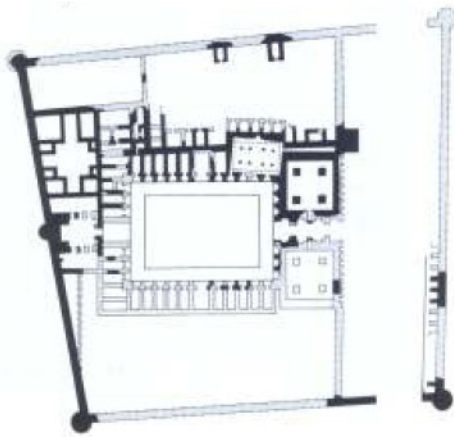
نیز یکی از نمونه های جالب معماری غزنویان است که احتمالاً بین سالهای ۱۱۱۸ و ۱۱۵۲ به نشانه گرامیداشت زندگی و دستاوردهای وی بنا نهاده شده است. تحقیقات اخیر باستان شناسان نشان می دهد که احتمالاً یک مناره سوم در کار بوده است و شاید پایه های آن هنوز در ساحه باقی مانده باشد، البتّه این نظر هنوز مورد تأیید قرار نگرفته است.



قصر مسعود سوم - قصر شاهي غزنويان



قصر مسعود سوم که گمان می رود در اوایل قرن ۱۲ ساخته شده باشد (معمولاً تاریخ بنای آن به ۱۱۱۱ نسبت داده اند) بزرگترین و مهم ترین بناي منطقه در آن زمان به حساب می آمد. در زمان حاضر، چنانکه باستان شناسان از طریق حفاری به بازیافت بناهای تاریخی و حفاظت آنها برای نسل های آینده و مطالعه دانشمندان می پردازند، به مشکل می توان تشخیص داد که این بنا در اصل به چه شکل بوده است (اگرچه بسیاری از بخش های این قصر در طول جنگ های دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ منهدم شده اند). با این وجود هم، اگر امروز شما در اطراف این ساحه قدم بزنید، می توانید منظره آن زمان از قصر را در ذهن خود مجسم کنید.



حفاری های باستان شناختی در اصل در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ (و با کمی کار در سال ۲۰۰۳) در بخش کلانی از حویلی مرکزی صورت گرفته اند و احتمالاً دیوارهای احاطه قصر هنوز کشف نشده اند. صنایع دستی کشف شده از ساحه نشان می دهد که این قصر احتمالاً در سال ۱۱۲۰ توسط مسعود سوم، پسر سلطان محمود غزنوی ساخته شده است. از نظر باستان شناسان، ممکن است پس از رسیدن امپراطوری غوریان به غزنی در سال ۱۱۵۱، این قصر سوخته

باشد و سپس توسط چنگیز خان و قبایل او در اوایل سده ۱۲ منهدم شده باشد. حفاری های صورت گرفته منجر به اکتشافات فراوان از زندگی و معماری غزنویان شده است که پیش از این ناشناخته بود. این قصر مستطیل شکل، دارای دیوارهایی به ضخامت ۱۵۰ متر بوده و در لابلای دیوارها یک بازار وجود داشته است. هر طرف حویلی مرکزی قصر دارای یک دروازه (ایوان) با تاق قوسی و تاق های قوسی کوچکتر میان آنها، و همچنین یکی از بزرگترین ایوان ها (تحت نام ایوان عظیم) بوده که به نشننگاه پادشاه منتهی می شده است.

همچنین یک مسجد در ساحه ای نه چندان دور از اتاق اصلی پادشاه کشف شد. این مسجد طوری طراحی شده است که قبله در سمت راست قرار بگیرد. حویلی شاهي با بیش از ۵۰۰ قباب از جنس سنگ مرمر ترین شده است

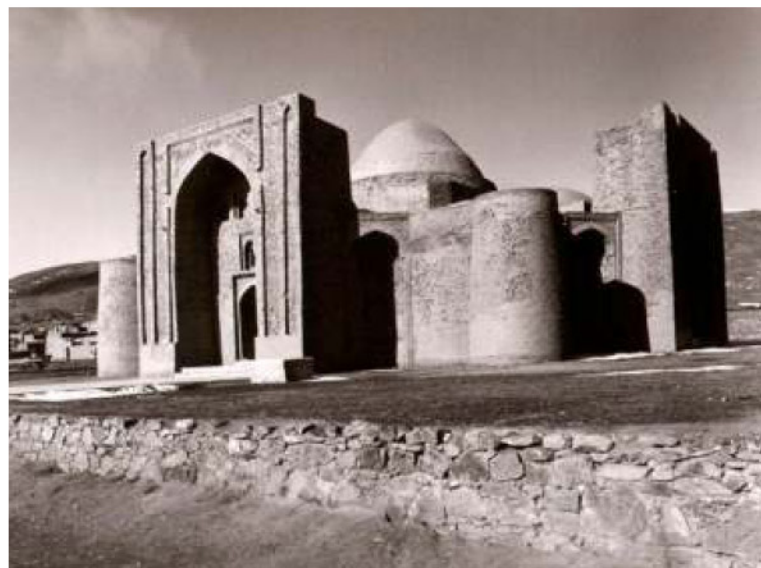


که روی بسیاری از آنها حکاکی‌های در هم بافته به شکل کتیبه و گل به همراه خط کوفی (شبهه به خط کوفی استفاده شده روی مناره‌ها) وجود دارد. دست‌نوشته روی سنگ‌ها دارای اهمیت فراوان می‌باشد و از تحلیل متخصصین چنین بر می‌آید که این خط به رنگ آبی (با سنگ لاجورد) روی زمینه سرخ یا طلایی رنگ نگاشته شده است. نوشته‌های روی سنگ مرمر بیانگر کردار نیک و کامیابی‌های پدر مسعود سوم، محمود غزنوی می‌باشند. همچنین اشیای جالب زیادی، از جمله آتشدان‌ها و کاسه‌های برنزی، و کاشی‌های دارای نقش و نگارهای زیبا، از این ساحه کشف شده است. بسیاری از این اشیاء جهت حفاظت بهتر در سال ۱۹۶۶ به مقبره عبدالرزاق و بخشی از آن به موزیم کابل انتقال داده شدند. متأسفانه بسیاری از اشیای مذکور که نمایانگر مهارت‌های صنعتگران غزنوی بودند (به خصوص بخش‌های قاب‌های مرمر که حکاکی‌های تمامی حیوانات و اشکال را در خود داشتند) در طول جنگ‌های داخلی ربوده و برای همیشه ناپدید شدند.

مقبره الخ بیگ ابن ابوسعید (و عبدالرزاق)

این مقبره، یک مقبره شگفت‌انگیز است (یک بنای تاریخی که قبرستانی را احاطه کرده است) که تاریخ بنای آن به دوره تیموریان بر می‌گردد که در نزدیکی قریه روضه واقع در شرق غزنی موقعیت دارد و مشرف بر خرابه‌های قصر مسعود سوم می‌باشد. این بنا از خشت ساده و به متزله مقبره فرمانروای مشهور و دوستاندار علوم، الخ بیگ (که بر کابل و غزنی به حیث بخشی از مسئولیت خویش بین سالهای ۱۴۶۰ الی ۱۵۰۱ حکومت کرد) ساخته شده است. اما الخ بیگ در اصل پس از اینکه در سال ۱۵۰۱ به قتل رسید، در مقبره تیمور لنگ واقع در سمرقند به خاک سپرده شد. سرانجام، این مقبره برای تدفین پسر الخ بیگ، عبدالرزاق استفاده شد که تنها یک سال پس از مرگ پدرش حکومت کرد و او هم در سال ۱۵۱۳ به قتل رسید.

این بنای تاریخی یک نمونه عالی از معماری تیموریان می‌باشد که پایه‌های روی یک تقارن دایره‌ای پی‌ریزی شده است. بخش

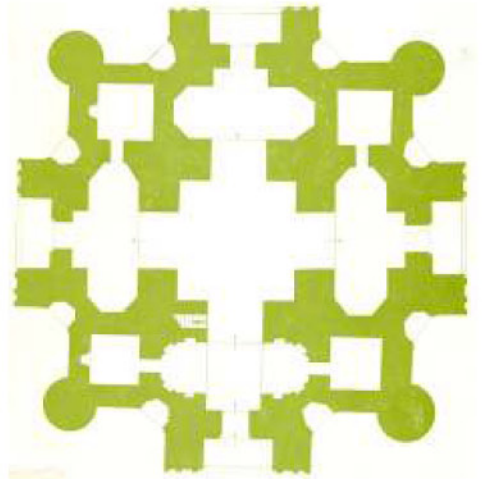


اصلی این بنا مربع شکل (۲۰ در ۲۰ متر) بوده و در هر گوشه آن برج‌هایی با ارتفاع بسیار بلند و چهارپیش‌طاق (یک نام معماری برای نوع گذرگاه یا چارچوب) وجود دارد که ارتفاع آنها بیشتر از ۱۰ متر می‌باشد.

ساحه خارج از مقبره نیز مقارن بوده و به ۹ نشستگی هر کدام دارای گورگاه گنبدی شکل (۶.۵ در ۶.۵ متر) در قسمت مرکزی



خود تقسیم می شود. این مقبره کاملاً از خشت پخته ساخته شده است. پیش طاق های آن به شکل ساده با ناقچه ها و برجسته کاری روی خشت مزین شده اند که ظاهراً در گذشته موزاییک ها و احتمالاً گچ های رنگ آمیزی شده در خود داشته اند. این بنا یکی از آثار تاریخی بسیار مهم برای کشور و جامعه بین الملل محسوب می گردد، زیرا نمایانگر یکی از نمونه های پابرجای از مقبره های تیموریان (۱۳۷۰-۱۵۲۶ میلادی) می باشد و پیوندهای معماری با بناهای مغولان در هندوستان دارد. گفته می شود که بنای مذکور تا حدی الهام بخش ساخت مقبره تاج محل در هندوستان شد، اگرچه مقبره تاج محل آرامگاهی بسیار بزرگتر از این بنا می باشد. بازسازی و احیای مقبره در



سال ۱۹۶۰ توسط دیپارتمنت بناهای تاریخی افغانستان و تیمی از معماران ایتالیوی به نام آسیمو (IsMEO) آغاز شد که هدف آنها تبدیل بخشی از بنا به موزیم هنر اسلامی جهت نمایش صنایع دستی و تندیس های مکشوف از ساحات تاریخی منطقه، به شمول قصر مسعود سوم و به طور عمومی غزنه، بود. به دلیل وجود مشکلات امنیتی این پروژه برای سالها و چندین بار به تعویق افتاده است، اما کار احیا و بازسازی برای یکبار دیگر در سال گذشته (توسط



دیپارتمنت بناهای تاریخی و یونسکو) از سر گرفته شد. امید می رود که موزیم جدید هنر اسلامی تا قبل از سال ۲۰۱۳، یعنی زمانی که غزنی به پایتخت فرهنگ اسلامی تبدیل می شود، به روی همگان باز شود.

قلعه بالا حصار و دیوارهای شهر غزنی

اگرچه بالا حصار و دیوارهای شهر غزنی امروزه تا حدی تخریب شده اند و بسیاری از ساختمان ها، برج ها و دیوارهایی که روزگاری این قلعه اعجاب انگیز را شکل می دادند، سالهای دور ویران شده اند، اما با این وجود هم اهمیت پیشین آن از روی بازمانده های آن هنوز به جای خود باقی است. قلعه بالا حصار کماکان بر شهر مسلط است. در طول تاریخ بیشتر مردم غزنه در





قسمت غربی سکونت داشته اند، در حالیکه بسیاری از مردمی که در قرون گذشته در ماحول قلعه بالا حصار سکنی گزیده بودند، تدریجاً از منطقه مهاجرت نمودند؛ درست آنچه در بالا حصار کابل اتفاق افتاد.

در رابطه با ریشه های قلعه یا دیوارهای احاطه کننده آن معلومات اندکی موجود می باشد، اما احتمالاً هزاران سال قبل از

ساخت این بناها، مردمانی در این ساحه سکنی گزیده اند و در طول سالها این ساحه در معرض تغییرات زیاد قرار گرفته است. دیوارهای شگفت انگیز شهر از ترکیبی از خشت های پخته و پخسه (ترکیبی از گل تر و گاه) ساخته شده اند که نشانگر کاربرد نوعی معماری جالب و دشوار در ساخت ۲۰ برج، قلعه و دیوارهای بیرونی به ارتفاع ۱۰ متر در بالای پشته های مصنوعی می باشد که اطراف این دیوارها را گودال هایی به عمق ۵ الی ۸ متر فرا گرفته است. دروازه های کثیری که در دیوارهای شهر (که غالباً با دیوارهای بالا حصار اشتباه گرفته می شود) قرار گرفته اند، از چوب یا سنگ ساخته شده اند و بی حد کلان می باشند. بزرگترین



دروازه در دیوار شمالی واقع شده است که در دو سوی خود دو برج دارد و بالای آن با گنبد پوشانده شده است. بالا حصار خود بر روی صخره ای واقع شده است که ۴۵ متر بلندتر از ساحه پیرامون خود بوده و با دیوارها و برج های بلند احاطه گردیده است و یک شیب عمودی در نزدیکی آن وجود دارد. بالا حصار کابل نیز بر روی صخره ای طبیعی واقع شده است و گفته می شود که این صخره به لحاظ تاریخی یک تپه (اشاره دارد به تپه ای که به دلیل مصون بودن آن برای چادر زنی و خانه سازی مردم بر روی آن سکونت می گزیدند) بوده است. از این رو احتمال می رود که بالا حصار غزنی هم بر روی جایی بنانهاده شده باشد که در سرتاسر تاریخ محل زیست مردمان بوده است. نام شهر غزنی (یا غزنه، اگر خواسته باشیم نام تاریخی درست آن را گفته باشیم) در بسیاری از



کتاب تاریخ به عنوان یک شهر سترگ و ثروتمند در قرن یازدهم یاد شده است؛ زمانی که محمود غزنوی از لشکر کشی هایش به هندوستان با ثروتی عظیم برای کار روی معماری شهر به غزنی بازگشت. این واقعه مربوط به سال ۱۰۲۴ می باشد و ساخت بسیاری از بناهای عامه، مذهبی و نظامی اعجاب انگیز در غزنی نمایانگر اوج شکوهمندی غزنی در آن زمان می باشد؛ هرچند در مراجع تاریخی تا قرن سیزدهم نامی از بالاحصار برده



نشده است و مشخص نیست که آیا بالاحصار هم به شکلی از اشکال در آن زمان وجود داشته است یا خیر.

بسیاری از بخش های دیوارهای شهر و خود بالاحصار که زمانی از بناهای شگفت انگیز غزنی بودند، یا در طول زمان به دلیل بی توجهی و زمستان های شدید غزنی یا در نتیجه خرابی های مداوم در طول مبارزات بر سر فتح قلعه در سرتاسر تاریخ نابود گردیدند. واقعه ای که هیچ وقت از یاد کسی نمی رود، انهدام یکی از دروازه های شهر توسط نیروهای انگلیسی در خلال جنگ اول افغان-انگلیس (۱۸۳۹-۱۸۴۲) می باشد؛ هرچند در سالهای پس از آن نیز این بنای تاریخی در معرض جنگ ها و نبردها قرار گرفت آنچه امروز از آن باقی است تنها سایه ای از قلعه پرشکوه گذشته می باشد. اکنون از دیوارهای شهر تنها تکه هایی باقی مانده است و بخش هایی به جای مانده از قلعه هنوز هم محل کمپ نظامی می باشند.

امید می رود که در راستای تجلیل از غزنی به عنوان مرکز فرهنگ اسلامی، در سال ۲۰۱۳، دیوار تمث آبدات تاریخی افغانستان بتواند بخشی از دیوارهای این شهر باستانی را احیا کند تا مردم برای یکبار دیگر نظاره گر این بنای تاریخی سترگ باشند و تاریخ مهم غزنی در گذشته و همچنین قرن بیست و یکم در ذهن شان نقش بندد..





هنر و صنعتگری غزنی تاریخی

کشور گشایانی چون سلطان سبکتگین و پسرش سلطان محمود غزنوی، زمینه ساز دوره درخشش هنری غزنی (یعنی چشمگیرترین و شکوفاترین دوره پیشرفت هنری غزنی) می باشند. این دو به طور فعال به ترغیب هنر پرداختند و در طول سلطنت کوتاه ۲۰۰ ساله خویش، هنروران و صنعتگران را از سرتاسر قلمرو در حال گسترش غزنی گردهم آوردند. بسیاری از آنها از شرق امپراطوری (به طور خودخواسته یا به طرق دیگر) به دربارهای غزنه آورده شدند تا به خلق اشیاء و طراحی بناها در غزنی دست یازند. اگرچه امروزه در غزنی کتونی تعداد نه چندان زیادی از اشیاء ساخته می شوند، اشیایی که از گذشته این شهر بر جای مانده اند، مهارتهای هنری و صنعتگری موجود غزنه و سرتاسر امپراطوری غزنویان را به نمایش می گذارند. امروز ما می توانیم از طریق کتابهای تاریخ، موزیم ملی کابل و برخی از موزیم های خارج کشور، مهارت ها و استعداد های متنوعی را مشاهده کنیم که روزگاری در خلق اشیای زیبا (و همچنین طراحی بناهای الهام بخش) به کار بسته شده اند. مصداق این مهارت ها و استعدادها، صنایع دستی تهیه شده از برنز و نقره می باشند، از جام ها، بشقاب ها و کوزه های تزئین شده گرفته تا اشیای پرزرق و برق تر مانند رکاب، آتش دان های دارای حکاکی های در هم بافته، شمعدان ها، گروپ های تیلی و بسیاری از سکه های زیاد با نوشته های ضرب شده عربی و سانسکریت. کاشی های آن زمان دارای کیفیت بالا و جلاداده شده با رنگ های مختلف بوده و از نقش های مختلف برای تزئین آنها به عنوان اشیای خانگی و تجملی استفاده می شد. بسیاری از این آثار هنری از چوب ساخته می شدند یا حاصل حکاکی بر روی چوب بودند (برای مثال کاسه و ابزار)، اما به ندرت اثری از آنها در زمان کتونی دیده می شود. مشهورترین نمونه آثار چوبی عبارت

از دروازه های دارای حکاکی های در هم بافته سومات هستند که از مرقد محمود در غزنی بدست آمده اند و در حال حاضر در قلعه سرخ واقع در آگرا، هندوستان نگهداری می شوند.



همچنین مهم است به خاطر داشته باشیم که اگرچه هنروران امپراطوری غزنوی باعث شدند که نام غزنی هنوز هم بر سر زبان ها باشد، در دوره بودائیسیم ماقبل اسلام نیز هنروران چیره دستی وجود داشته است. هنر بودایی که بین قرون دوم و پنجم میلادی پایه عرصه وجود نهاد، غالباً هنر گاندهارا (ترکیبی از سبک های هنری هندوستان، یونان-باکتریا و امپراطوری سابق روم) نامیده می شود و به خاطر تولید تندیس های ساخته شده از استو کو (مواد تهیه شده از گچ فشره)، خاک رس یا شپست (نوعی سنگ براق) مشهور می باشد. با تعمق روی معماری غزنویان می توان به قدرت هنر در بکار گیری از مواد متنوع در خلق بناها، مقبره ها یا یادبودهای تاریخی زیاتر و



چشم گیر تری بود. سنگ مرمر به میزانی وسیع در این هنر مورد استفاده قرار گرفته است و قصر مسعود سوم نمونه های شکوهمندی از طرح ها و درون مایه های



متنوع به کار بسته شده در خلق آثار هنری، به نمایش می گذارد. بیش از ۵۱۲ قباب مرمرین حکاکی شده کشف شده است که نمایی از تمامی انواع نقش و نگارها از رقاصه های ترکی و مردان اسب سوار گرفته تا طرح های شیر، فیل و تندیس های گلی می باشد. از استو کو (مواد تهیه شده از گچ فشره) نیز به میزان گسترده برای تزئین دیوارهای بناهای تاریخی و از خشت های پخته شده با نور آفتاب جهت ساختن الگوهای هندسی ساختمان ها، مانند مناره بهرام شاه استفاده شده است. همچنین در قصر

مسعود سوم، کاشی های از جنس اسکوتو و خاک رس، در بالای قاب های مرمر چسبانده شده اند و برجسته کاری های روی دیوار نشانگر تصاویر حیوانات وحشی، پرندگان و گل ها می باشد. همه اینها با رنگ های سبز، قهوه ای و زرد تزیین و جلاداده شده اند (خشت های جلاداده شده و پرداخت شده عمدتاً در غرب امپراطوری آن زمان، یعنی ایران کنونی ساخته می شدند). هنروران غزنوی همچنین نمونه های تهییج آوری از خطاطی در اوایل اسلام تولید نمودند و هنر خطاطی را در راستای گرامیداشت یاد و خاطره و هیران، پارسایان و نقش بندی آیات قرآن کریم استفاده نمودند. خط کوفی در آن زمان یک خط بسیار رایج بود (چنانکه مقبره محمود غزنوی و دو مناره مشهور دارای نوشته هایی به خط کوفی می باشند). دست نوشته های اسلامی با خطوط تزیینی برای چندصد سال در سرتاسر امپراطوری به عنوان یک اثر هنری بسیار محبوب باقی ماندند. خط نسخ نیز عموماً برای نگارش روی طومارهای پوستی استفاده می شد. خط اسلامی نیز بر روی مرمر، برنز، قاب های سفالی و حتی البسه حکاکی و نقش بندی می شد.



آرامگاه و مقبره الخ بیگ بن ابوسعید (و عبدالرزاق)

و موزیم هنرهای اسلامی غزنی

پروگرام ترمیماتی که با کمک مالی دولت ایتالیا انجام گرفته است

بنای مذکور مقبره با شکوهی است که در دوره تیموریان (بیشتر تاریخ دانان زمان فرمانروای تیموریان را بین سالهای ۱۳۷۰ الی ۱۵۲۶ میلادی درج کرده اند) و در نزدیکی قریه ای به نام روضه در شرق غزنی ساخته شده است، از لحاظ معماری این بنا به نحوی ساخته شده است که منظره بسیار زیبایی بر روی قصر مسعود دارد. در بنای این آبده کلان از موادهای بسیاری استفاده گردیده که غالب مواد ساختمانی آن خشت خام می باشد. با این وجود این مکان دارای ارزش خاص خود بوده است، استراحتگاهی برای حکمران مشهور و از حامیان دانشمندان آن زمان یعنی الخ بیگ (وی حاکم غزنی و کابل در بین سالهای ۱۴۶۰ الی ۱۵۰۱ میلادی



بوده است). این حاکم عالم دوست در نهایت در ترملن سمرقند بعد از به قتل رسیدن در سال ۱۵۰۱ میلادی دفن گردید ولی سرنوشت این مکان طوری رقم خورد که این مکان آرامگاهی شود برای پسر وی عبدالرزاق که بعد از یک سال حکم روابی در سال ۱۵۱۳ به قتل رسید.

این بنای تاریخی یک نمونه عالی از معماری دوره تیموری می باشد که بر روی یک محیط دایروی شکل با مهندسی منظم ساخته شده است. قسمت اصلی این آبده

مشکل از یک ساختمان مربعی شکل (۲۰ در ۲۰ متر) که برجهای دایره ای شکل و بلند آن در هر گوشه زینت بخش این اثر تاریخی زیبا می باشد. در هر قسمت از آن پیش طاقهای (نامی مهندسی که به طاقها و چهارچوبها داده می شده است) یا درازای ۱۰ متر تعبیه شده است. قسمت خارجی این بنا هم به صورت قرینه ساخته شده که شامل ۹ اطاقک خرد به همراه یک اطاقک گنبدی که مکان دفن اشخاص بوده (۶.۵ در ۶.۵ متر) و در مرکز بنا قرار دارد. باید به خاطر داشت که این مقبره و آرامگاه به صورت کامل توسط خشت ساخته شده است. یکی از موارد بسیار زیبا در این بنا استفاده از فضاهای خالی و نیز خشتهای ساده برای تزئین پیش طاقها می باشد. البته به احتمال فراوان این سطوح در گذشته دارای موزاییکها یا پلسترهای بوده است که فعلا اثری از آنان باقی نمانده است.

مقبره عبدالرزاق یکی از آبده های تاریخی بسیار زیبا و مهم کشور و نیز دارای اهمیت بین المللی زیادی می باشد بخصوص اینکه این بنای تاریخ از معدود آثار سالم بجا مانده از دوره تیموریان (۱۳۷۰ الی ۱۵۲۶ میلادی) می باشد. یکی از دلایلی که به آن از

لحاظ معماری بین المللی اهمیت خاصی داده است، وجود رابطه معماری ما بین این اثر و ساختمانهای دوره مغولی (۱۵۲۸-۱۸۵۸) در هند می باشد. بسیاری از تاریخ دانان بر این باور اند که این آرامگاه زیر بنای تفکر ساختن بنای بزرگ تاج محل (ساخته شده در سالهای ۱۶۳۲-۱۶۵۳) در هند می باشد البته در مقیاس بزرگتر و عظیم تر نسبت به مقبره عبدالرزاق در غزنی.

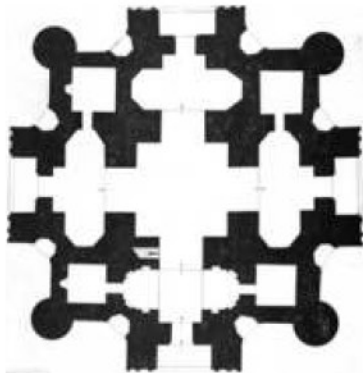


موزیم هنرهای اسلامی غزنی

ترمیم و بازسازی این آبنده تاریخی در سال ۱۹۶۰ توسط دیپارتمنت آبدات تاریخی دولت افغانستان شروع شد و در این میان تیم ایتالیوی (ISMEO) در این قسمت کمکهای فراوانی را به دولت افغانستان ارائه دادند. هدف اصلی از ترمیم این آبنده تاریخی مهیا کردن آن برای تبدیل شدن به یک موزیم بوده است که بتواند فضای مناسبی باشد برای نشان دادن آثار و مجسمه های تاریخی که از تعداد زیادی ساحات تاریخی بدست آمده بود. در این میان آثار بدست آمده از ساحه تاریخی قصر مسعود سوم از جمله سنگهای قبر مرمرین که در سایزهای کلانی بوده نقش عمده ای را داشته است. متاسفانه بخاطر شرایط امنیتی نامناسب که سالها در ساحه شاهد آن بوده ایم، کار این موزیم به طور منظم و مطابق پلانهای طراحی شده سابقه پیش نرفته و هنوز هم کارهای بسیاری در این قسمت در حال اجرا هست. در این راستا و با کمک دولت ایتالیا و همچنین مشارکت فعال دیپارتمنت آبدات تاریخی کار مرمت این موزیم در سال ۲۰۰۸ تحت نظارت یونسکو دوباره شروع گردیده است

در اولین مرحله، کارهای بازسازی و ترمیمات بیشتر بر روی ساحات خارجی ساختمان متمرکز بوده به شمول ترمیم و بازسازی گنبد، سقف تخریب شده و نیز قسمتهای از دیوارها و وطاقها. در عین حال قسمت داخلی این ساختمان نیز از نظر دور نمانده و کارهای اساسی بر روی آن انجام گردیده است که از آنجمله می توان به بازسازی سیستم آب و برق و نیز ترمیم پلاسترها و خشتهای آسیب دیده قسمتهای داخلی آبنده نام برد. این ترمیمات با کار بر روی قسمت های اطراف دروازه ها در جهت ثابت نگهداشتن آنان و نیز سطح داخلی مقبره ادامه یافت. از مهمترین کارهای دیگری که در قسمت داخلی ساختمان انجام گردید یافتن یک راه حل مناسب برای سیستم سازه بوده است که این کار هم با موفقیت انجام شده است.

قابل ذکر است که در ساختمانی با معماری بسیار زیبای تیموری، کلیه کارها باید با نظم و دقت خاصی انجام شود و هیچ مورد از پیش چشم متخصصان نباید دور بماند بخصوص هنگام کار در قسمتهای مرکزی، مکانی که پلاسترها و تزئینات بسیار ظریف آن در حال تخریب شدن است. با وجودی که اقلیم غزنی در بعضی فصول اجازه ادامه کار را از متخصصان می گیرد ولی کلیه تلاشها



بالا: یک پلن زیبا و غیر معمول آن دوران که از آرامگاه عبدالرزاق بدست آمده و عکس مقابل یک سمت بازسازی شده این آبنده تاریخی را نشان میدهد



باید بر آن باشد تا حد امکان عظمت تاریخی این مکان به آن برگردانده شود. برای رسیدن به این هدف متخصصین تصمیم گرفته اند که فضای سبزی محوطه اطراف آرامگاه را دوباره احیاء نمایند. علاوه بر درخت کاری کارهای زیاد دیگری نیز پیرامون فضای اطراف آرامگاه انجام گردیده است که اهم این کارها



عبارتند از کار بر روی پیاده روهای اطراف روضه که به آرامگاه ختم می شود، کاشت درختان و گلهای مناسب در فضای اطراف آرامگاه و مهیا کردن فضایی مناسب برای پارک، موترها و وسایط نقلیه بخصوص برای کسانی که برای بازدید از مقبره و موزیم به این آرامگاه می آیند.

با تکمیل شدن کارهای بازسازی قسمتهای داخلی و خارجی مقبره (همانطور که در عکسهای بالا مشاهده می نمایید) قدم بعدی ایجاد فضا و مسائل مربوط به نمایش گذاشتن تعدادی از آثار تاریخی در این موزیم بوده است. بخصوص آثاری که در حال حاضر در دیوهای موزیم ملی افغانستان در کابل نگهداری می شوند که بیشتر آنان در زمان حفاریات باستانشناسی در غزنی کشف گردیده اند. برای موفقیت بهتر در این قسمت کار متخصصان بسیاری از موزیم ملی افغانستان، یونسکو و انستیتوت آفریقا و شرق شناسی ایتالیا - آسیا و (ISIAO) به خدمت گرفته شدند تا بر روی بسیاری از آثار به شمول سکه ها، سنگهای مرمر و آثار فلزی زمان غزنوی کار نمایند، هدف آنان انتخاب و ترمیم بهترین این آثار برای به نمایش گذاشتن در موزیم بوده است. امید فراوان هست که لوازم مورد نیاز برای نمایش این آثار از قبیل کابینتها و الماریها در خلال سالهای ۲۰۱۲ یا ۲۰۱۳ توسط دیپارتمنت موزیمها، در این بنای تاریخی نسب گردد تا بتوان دروازه های این موزیم را بر روی مردم هادی و نیز بازدیدکنندگان بین المللی باز نمود. در ادامه این نوشته ما شما را با بعضی از آثار تاریخی که از نقاط متفاوت غزنی به دست باستان شناسان کشف گردیده است آشنا خواهیم کرد، تعدادی از این نمونه ها از جمله آثاری هستند که در دیوهای موزیم ملی افغانستان در کابل موجود می باشند و به احتمال فراوان بعد از بازگشایی موزیم عبدالرزاق در آن جای خواهد گرفت و شما می توانید آن را با اطلاعات پیرامون آن مشاهده نمایید.



سکه های ضرب شده به مناسبتها خاص

موزیم ملی افغانستان سابقه و معروفیت بسیاری به لحاظ کلکسیونهای سکه و بسیاری از آثار زیبایی دوره



غزنویان که در خود جای داده است، دارای می باشد (عکس سمت راست) بیشتر این سکه ها در دوران حکمروایی سلطان محمود و پسرش ضرب شده اند که در قسمت روی سکه ها نوشته های هری و در پشت سکه ها نوشته های به لسان سنسکریت دیده می شود.



در کلکسیون موجود موزیم ملی انواع متفاوت سکه های نقره ای درهم و دینارهای طلائی موجود است که نشان دهنده یک صنعت پیشرفته و بسیار دقیق و هنرمندانه در آن دوران می باشند (سکه ها دارای قطر ۲۰ الی ۲۸ میلیمتر می باشند). دینار نقره ای که عکس آن در صفحه قبل نشان داده شده است نیز از جمله این آثار مکشوفه هست این سکه در دوران محمود (پسر سبکتگین) ضرب شد که تاریخ آن بر می گردد به سال ۴۱۸ هجری شمسی (۱۰۲۷ میلادی). این سکه به احتمال زیاد در محمود پور، نامی که به افتخار محمود به لاهور فعلی پاکستان داده شده بود ضرب شده است قابل ذکر است از دلایلی که این شهر را به این نام یاد کرده



اند بخاطر این بوده که اکثر لشکر کشیهای محمود از این شهر به سوی هند انجام می گرفته است. دینار طلائی که عکس آن در صفحه قبل نشان داده شده است به مناسبت تجلیل از حکمروایی مسعود (فرزند محمود) که در سالهای بین ۱۰۳۹-۱۰۴۰ میلادی بر امپراتوری بزرگ غزنویان حکمروایی می کرد و از معروفترین پادشاهان این سلسله بوده است ضرب شده



است، این سکه در سال ۴۳۱ هجری شمسی در پایتخت سلسله غزنویان ضرب شده است. نوشته های که در پشت این سکه وجود دارد به نحوی بیانگر تلاش نافرجام مسعود در جنگ دندانتان برای به تصرف در آوردن شهر مرو علیه سلسله سلجوقیان در سال ۴۳۱ هجری شمسی (۱۰۴۰ میلادی) بوده است (در قسمتی از این سکه کلمه ظهیر یا به معنی کمک به چشم می خورد). شکست در این جنگ از عوامل مهم پایان یافتن عظمت و حاکمیت سلسله غزنویان در محدوده سرزمینی که امروزه ایران نامیده می شود بوده است. زیرا با این شکست

غزنویان خراسان را که مرکز و پایگاه اصلی آنزمان شان محسوب می شد به سلسله در حال رشد سلجوقیان واگذار کردند.

سرامیکها- لوازم خانگی و تزئینی



هنرمندان دوران غزنویها که بسیاری وقت از سرتاسر امپراتوری غزنوی جمع آوری می شدند به خاطر تولیدات سرامیک زیبایشان معروفیت خاصی دارند، صدها نمونه از کارهای آنان امروزه در موزیم ملی ثبت گردیده است. آثار سرامیکی بدست آمده دارای تنوع و زیبایی بسیاری می باشد. در این میان سرامیکهای بسیاری از طرحهای ساده





گرفته که برای امور معمولی استفاده می شده است تا آثاری با تزیینات فراوان که عملکرد خاصتری نظیر نگهدارای آثار گرافیتی استفاده برای مراسمهای مذهبی قابل مشاهده می باشد. با وجود اینکه استفاده از لعاب بر روی سرامیک (داشتن رنگ و غیره) قرنهای یازده و دوازده میلادی در مرحله آغازین تکنالوژی خود بوده است، ولی نمونه های فراوانی از سرامیکها با لعابها و رنگهای متفاوت نظیر نارنجی، سبز، زرد و کبالت در کلکسیونهای موجود غزنی در موزیم پیدا می شود. البته در این میان آثار نیز وجود دارند که فقط لعابی از گل را تنها می داشته باشد که در قرون ۱۱ و ۱۲ بسیار مروج بوده است. عکسی که در صفحه قبل نشان داده شده است تصویری است از یک ظرف ساده با نقوش گل مانند که دارای لعابهای رنگی می باشد، و نیز دو نمونه از موارد معدود کوزه های با گردنهای بلند که با استفاده از نقوش حیوانات متفاوت و نیز با استفاده از تک رنگهای زیبا ترین شده است. در قسمت پایین این صفحه شما شاهد نمونه سرامیکهای که به شکل حیوانات درست شده است می باشید که به احتمال زیاد برای سوزاندن روغن در جهت روشنایی از آن استفاده می شده است. غزنویان دارای مهارتهای بسیاری در تولید سرامیکهایی که بتوان از آن برای تزیینات روی دیوارها استفاده کرد، بوده اند که در آن مواد خام متنوعی استفاده می شده است نظیر سنگهای مرمر و در بعضی مواد سنگهای آهکی که در این صفحه شما شاهد چهار نوع آن می باشید. سه نمونه ای که در قسمت بالا نشان داده شده است دارای کیفیت بسیار بالا است که در خود نوشته و نقوش پیچیده نیز تزیینات گل مانند می باشد که در بعضی موارد دیزاینهای از حیوانات نیز بر روی آن به چشم می خورد. دو نمونه ای که در قسمت پایینتر نشان داده شده است آثار سرامیکی رنگی است که بعد از خاتمه کار لعاب داده شده است و یک قطعه ای از اثر که تزیینات کنده کاری روی آن دیده می شود (بالا سمت چپ) به احتمال زیاد قسمتی از یک هنر حاشیه کاری بر روی دیوار با نقوش و کنده کاری زیبا بوده است.





آثار تزئیناتی فلزی ساخته شده از مس و دیگر عناصر فلزی نظیر نقره و طلا نیز قسمت عمده ای از هنر دوره غزنویان را تشکیل می دهد. از آن دوره آثار فراوانی با این مشخصات در موزیم ملی کابل و در دیپوی غزنی وجود دارد که امید است این آثار زمانی در موزیم اسلامی غزنی به نمایش گذاشته شود. کار بر روی فلزات از مهارتهای عمده صنعت کاران و هنرمندان دوره غزنوی بوده است که برای ساخت ابزارهای بسیار خانگی نظیر قابها، ادوات کشاورزی، بریدن استفاده می شده است. بیشتر افرادی که این هنر را در دست داشتند صنعتکارانی بودند که از مناطق دیگر که تحت کنترل

غزنویان بخصوص در دوره سلطان محمود قرار می گرفت به غزنه آورده می شدند. این آثار برای درست کردن لوازم تزئیناتی و گاهی برای مراسم مذهبی ساخته می شده است و اکثر مشتریان آنان خانواده های سلطنتی یا ثروتمندان که علاقه به آثار تزئیناتی داشتند بوده اند. (عکس بالای صفحه) یک اثر سالم ساخته شده از مس هست که دارای ۱۶ قسمت صدف مانند با نوشته های که به سختی خوانده می شود می باشد. (عکس بالا سمت راست) دو نمونه دیگری از ظروف مسی دوران غزنوی را نشان می دهد. در سمت راست صفحه دو اثر برنزی که کمی متفاوت تر از آثار معمول این دوره می باشد را به تصویر کشیده است، استفاده از حیوانات بخصوص چهارپایان از هنر غالب دوره غزنویان برای این نوع آثار می باشد که نمونه آنرا مشاهده می کنید. در آثار این دوره ابزارهای فلزی که شمایل حیوانات در آن به تصویر کشیده شده است به وفور دیده می شود که نمونه های بسیاری از آن

امروزه در کلکسیونهای موزیم کابل موجود می باشد. در این آثار دستگیره های به شکل شیر و پرندگان رامی ببینید که مانند نقوشی بر روی زینه های اسب و جعبه جواهرات استفاده می شده است. (عکس پایین صفحه سمت راست) نمونه های دیگری هستند که در حال حاضر زیر ترمیم می باشند این آثار دستبندهای هستند از دوره غزنویان با قطر ۱۲ میلی متر که برجسته ترین نکته در آن وجود سر حیوان را در آن می باشد، این اثر نیز در موزیم ملی نگهداری می شود. تعداد نسبتاً فراوانی از این نوع دست بندها که مختص آن دوره می باشد کشف گردیده که دارای تفاوت کیفیت و نیز اشکال متفاوت می باشد. در میان تزئینات تصاویر افسانه ای نیز به وفور دیده می شود به طور مثال در ابزاری که از آن برای سوزاندن مواد خوشبو کننده بهره گرفته می شده است این قسم نقشها را ما مشاهده می نمایم، آثاری ۴ گوش که بر روی پایه های آن تزئیناتی به شکل مختلط از شیر و عقاب به چشم می خورد



نمونه این نوع دکورها و تزئینات را شما می توانید در آثار بدست آمده از یک موزیم خصوصی (ص ۳۳، بالا) در کویت مشاهده نمایید در توضیح این اثر می توان گفت که ظرفیت برای سوزاندن مواد خوشبو کننده که به احتمال زیاد در نیمه اول قرن ۱۲





ساخته شده است. این ظرف دارای ۴۰ سانتی متر بلند و نزدیک به ۹ کیلوگرم وزن دارد، در بعضی قسمتهای این ظرف از برنز کار گرفته شده است و علاوه بر آن دارای کنده کاریهای زیبای در اطراف خود می باشد. سرپوش این اثر به شکل یک ستوپه بوده و در پایه های آن دارای شمایل از شیر در خود می باشد. در کنار این تصاویر ادعیه های نیز به خط ثلث و کوفی نوشته شده است. نمونه های مشابه این آثار را می توانید در کشورها و موزیم های دیگر دنیا نظیر موزیم ملی انسان شناسی

استکهلم و گالری فرر در واشنگتن ایالات متحده آمریکا نیز ببینید و در این اواخر تعدادی از این آثار نیز از دست قاچقبران آثار باستانی در داخل کشور به دست آمده که در موزیم ملی کابل به نمایش گذاشته شده است. تعداد دیگر از این نوع آثار که برای سوزاندن مواد خوشبو کننده استفاده می شده است (این آثار اخیراً در آرشیو غزنی گذاشته شده است) و دارای کدام تزئینات خاصی نمی داشته باشد، نیز بدست آمده است (سمت راست) که کاربردی عادی برای امور روزانه داشته

است. اثر دیگری که در پایین مشاهده می کنید از برنز ساخته شده است تزئیناتی در اطراف خود و



نیز نمونه ای که در سمت چپ نشان داده شده است دارای کندن کاریهای به شکل گل بوده که در هر دو جانب اثر نقش بسته است که می توان به روشنی آنان را مشاهده کرد. این نوع اشکال با پیچیدگیهای خاص خود بر روی تعدادی آثار دوره غزنویان دیده می شود، که شاید بیانگر مهارتهای صنعتگران و طراحان خاص آن زمان باشد. از این نوع آثار هم در موزیم ملی افغانستان و در آرشیو غزنی تعداد زیادی موجود می

باشد. در زیر شما شاهد تعدادی آثار از این دست هستید. قابل ذکر هست که نوع هنرنماییها بر روی بسیاری لوازم از قبیل کلیدها، دکمه ها، تابه ها و گیره های لباس که با طراحی بسیار ظریفی ساخته شده است دیده میشود. در کنار آن سوزنکهای برنزی نیز وجود دارند که قسمت انتهایی آن به اشکال حیوانات

تزیین شده است، بیشتر مورد کاربرد آن برای رنگ کردن مو، و دیگر امور آرایشی استفاده بوده که بیشتر و مطابق اطلاعات ما در امور عادی زندگی از آن استفاده می شده است.



آثار مرمین کلکسیونهای غزنی

شاید یکی از زیباترین کلکسیونهای این دوره آثار مرمین با کنده کاریهای بسیار زیبا باشد که به مقاصد مذهبی و گاهی نیز فقط به خاطر تزیینات ساخته می شده است. آثار مرمین باقی مانده که در آرشیو موزیم ملی و نیز در گداههای غزنی نگهداری می شود شامل قطعات بزرگ از سنگهای قبر (فعللاً یک قبرستان تاریخی در دامنه شهر وجود دارد) و همچنین قطعات بزرگتر دیگر که برای حاشیه های تزیینات که زمانی بسیاری از ساختمانهای دوره غزنوی را تزیین می بخشیده است وجود دارد. از این نوع سنگها می توان به آثار یافت شده از قصر سلطنتی غزنویان در غزنی و پایتخت زمستانی آنان در لشکرگاه اشاره کرد. این حاشیه های تزیینی ساخته شده از سنگ مرمر برای زیبا جلوه دادن پنلهای مرمین به کار برده می شده (احتمالاً سنگها در اصل رنگ آمیزی شده بوده اند) که دارای ارتفاع متوسط یک متر از زمین بوده است. این هنر نمایها و تزیینات در بیشتر موارد بیانگر پیروزیها در جنگها و در مواردی فقط برای نشان دادن خود هنر دوره غزنویان و زیبا نمودن بناهای آن دوره استفاده می شده است. تزیینات اشکال متفاوت نظیر شبکه های گل مانند و حتی شمایلهای از فیل و حیوانات متفاوت و در بعضی موارد زبانی در حال رقص در خود دارد. نمونه ای که در بالا سمت چپ نشان داده شده است عکسی است از یک اثر که از یک کلکسیون شخصی فردی در دانمارک گرفته شده است. این اثر از خیلی لحاظ شبیه آثار موجود در موزیم ملی افغانستان می باشد. این سنگهای کلان مرمر برای به تصویر کشیدن نمادهای مذهبی استفاده می شده که نمونه آنرا می توان در کاشیکاری اطراف بعضی محرابها در این نوع آبنده های تاریخی مشاهده نمایید (سمت راست). این نمونه که دارای ۱.۲۰ متر ارتفاع و ۰.۳۴ متر پهنا می باشد برای روشنائی استفاده می شده که کلمه مبارک الله (ج) در هر دو طرف آن به تصویر کشیده شده است.



آبنده کلکسیونهای غزنی

تعداد بسیاری از این آثار متأسفانه گم شده یا سرنوشت آنان به کلکسیونهای شخصی در افغانستان و پاکستان ختم شده، حتی در بعضی موارد این آثار به کلکسیونهای شرق دور، اروپا و آمریکای شمالی راه یافتند. بعضی از این آثار (کنوانسیون ۱۹۷۰ یونسکو برای جلوگیری از خرید و فروش آثار تاریخی غیرقانونی و نیز تغییر مالکیت در این باره وجود دارد) در موزیمهای کوچکی در کشورهای نظیر کویت، سوئد و برلین تزیین دهنده کلکسیونهای آنان می باشند. امید است که با تکمیل پروژه ترمیم موزیم هنرهای اسلامی غزنی در سال ۲۰۱۲، کلکسیونهای خارجی و موزیمهای بین المللی کوچک تشویق گردند تا این آثار را به افغانستان برگردانند. این عمل می تواند خود کمک شایانی به معنا دار کردن روحیه گفتگوی بین تمدنها و فهم میان فرهنگها باشد. اگر چه این آثار در حال حاضر پیش چشم جهانیان موجود هست ولی می تواند بسیار زیباتر و قابل درک تر باشد که در زادگاه این آثار یعنی غزنی، به نمایش گذاشته شوند.



حفاظت از میراث فرهنگی

غزنی یکی از مهمترین شهرهای تاریخی نه تنها در افغانستان بلکه همچنین در سطح جهان برشمرده می شود که دارای تاریخ دیرینه و با شکوه می باشد که تمامی مردمان غزنی باید بدان مفتخر باشند. غزنی با پرورش شخصیت ها و چهره های مشهور تاریخ، خلق بناهای تاریخی اعجاب انگیز که برخی از چنگال امپراطوری های گذشته سالم مانده اند، اکنون با کمال افتخار لقب مرکز هنر اسلامی را در سال ۲۰۱۳ بر خود می نهد و در آینده بیشتر در اذهان نسل ها باقی می ماند و نامش گرامی داشته می شود. بناهای کهن

و سترگی که اطراف شما را فرا گرفته است و اشیای زیبایی که در این کتاب و موزیم های کشور شما به نمایش گذاشته شده است، نمایانگر بخشی از تاریخ و میراث مردمانی هستند که روزگاری در غزنی می زیسته اند و لذا در حفاظت و نگهداری آنان برای نسل های آتی باید کوشش و جهد جدی

شود. آنها بخش مهمی از زندگی مردم غزنی امروز هستند، چنانکه هزاران سال قبل پاره ای حیات مردم این سرزمین بوده اند. متأسفانه، برخی از مردم در صدد تخریب بناها و ساحات باستان شناختی برای یافتن گنجینه هایی هستند که هیچ وجود ندارند و با این عمل خود صرف باعث نابودی تاریخ و انهدام اشیای گرانبهایی می شوند که جزو

داشته های ملی به حساب می آیند. لطفاً به ساحات تاریخی و بناهای تاریخی احترام گذاشته و در صورت یافتن اشیایی که به نظر تان غیر عادی می آید یا احتمال می دهید که بسیار قدیمی باشند (ممکن است برخی از آنها مشابه به تصاویر این کتاب باشند)، لطفاً وزارت اطلاعات و فرهنگ را در جریان بگذارید تا مسئولین اقدامات لازم را برای تحقیقات بیشتر اتخاذ نمایند. به یاد داشته باشید چنانچه پیشنهاد خرید چنین اشیایی به شما شد یا کسی از شما خواست تا آنها را بفروشید یا با خود به جای دیگر ببرید، این عمل غیرقانونی خواهد بود و باید بلافاصله مسئله را با پولیس در میان بگذارید. این اشیاء یا باید در موزیم خود شما در غزنی یا در موزیم ملی در کابل حفاظت شوند. شما آینده سازان غزنی و افغانستان هستید و بر شما واجب است که به خاطر منافع همگانی، از میراث فرهنگی متنوع و غنی خود محافظت کنید.



قدردانی

تا آنجا که ممکن بوده دارندگان حقوق این اثر جستجو شده اند و یونسکو بدینوسیله از سازمان ها و شخصیت های ذیل به خاطر اجازه نشر تصاویر در این کتاب قدردانی می کند:

- Aga Khan Trust for Culture (Kabul). Pages 5, 17, 23, 30 (left)
- Agnieszka Dolatosa & Marek Lemiesz, (c/o Polish PRT, Gahzni). Pages 19,20.
- Anna Filigenzi (Istituto Italiano per l’Africa e l’Oriente). Pages 16,17, 21, 28.
- ArchNet (Islamic Architecture online Digital Catalogue). Pages 22,24, 30 (right)
- Bill Woodburn. Pages 2, 24.
- Department of Historic Monuments, Kabul. Page 18.
- Dr. Najimi (AKTC / Kabul University Department of Architecture). Page 18.
- National Museum of Afghanistan. Pages 3, 26 - 28, 33-35, 36 (bottom 4), 37.
- Jolyon Leslie. Pages 25.
- Laura Tedesco (Office for Public Affairs, US Embassy, Kabul). Pages 19,20, 25.
- Magnus Bartlett, Odyssey Publishing. Page 8.
- Nancy Dupree. Page 23.
- The David Collection, Copenhagen. Front cover, 4,6,7,9, 10, 21, 26-28, 32 (bottom right-coins), 36 (top left), 37, back cover.
- UNESCO. Pages 31, 32

ترجمه این اثر از متن اصلی انگلیسی توسط ترجمه خرد و بخش فرهنگی یونسکو (در کابل) انجام شده است.





تصویر محراب، حکاکی روی سنگ مرمر،
 بدست آمده از غزنی احتمالاً ساخته شده در سال ۱۱۰۰ میلادی



United Nations
 Educational, Scientific and
 Cultural Organization

